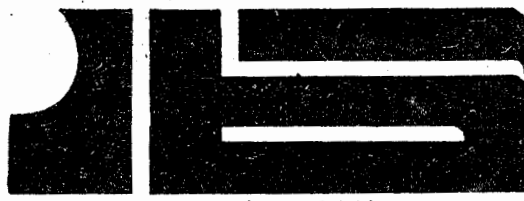


جاودان باد خاطره مبارزه  
قهرمانانه توده‌های زحمتکش  
در انقلاب مشروطه

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید



## سیاستهای ضد کارگری هیئت حاکمه هر روز آشکارتر میشود

سیاستهای ضد کارگری هیئت حاکمه که در یک سال ونیم گذشته با شکال مختلف از جمله فشار به شورا های کارگری، حملسه و بورس به اعتصابات و تحصن کارگران با زداشت نما بینگان واقعی کارگران در پاره ای موارد آتش کشیدن بر روی کارگران خود را نشان داده است، در روزهای اخیر ابعاد گسترده تری بخود گرفته است. هیئت حاکمه که در عمل نشان داده است وظیفه ای جز دفاع از منافع سرمایه داران و مقابله با توده های زحمتکش میهن ما ندارد، هر روز حملات گسترده تری را به توده های مردم و ستاورد های قیام خونین خلق تدارک می بیند. شوری انقلاب که در طول یکسال ونیم حیات خود، لحظه ای از تلاش در جهت با زسازی مناسبات سرمایه داری و آرگانها و نهادهای ضربه خورده آن فروگذار نکرد و قوا نین متعددی در جهت استحکام نظام سرمایه داری بتصویب رساند، در روزهای اخیر شتاب زده دست بتصویب یک سلسله قوانین زدن تا حتی لحظه ای را هم در جهت انجام وظایف خود بمنظور خدمت سرمایه داران و به زیان کارگران و توده های زحمتکش از دست ندهد. بقیه در صفحه ۲

## حجت الاسلام رفسنجانی دشمن کمونیستها و نیروهای انقلابی

حجت الاسلام رفسنجانی در سخنرانی روز یکشنبه دوازدهم مرداد خود که از تلویزیون هم پخش شد، دشمنی آشکار خود را با نیروهای انقلابی نشان داد. موضع گیری خصمانه وی علیه کمونیست ها که ایشان تحت عنوان "کفار" از آنها یاد کردند، سیمای واقعی نمایندگان سرمایه داری و استعمار را به نمایش گذاشت. بنظر این صاحب منصب جمهوری اسلامی کمونیستها کا فر هستند و بنا بر این عمل آنها هم رزقی ندارند" ایشان گفتند که کمونیستها در مبارزه ای که میکنند چون به اصول دینا لکتیک معتقدند، چون به اقتصادی معتقدند که نفی طبقات بقیه در صفحه ۱۳

### انقلاب مشروطه

#### سر آغاز مرحله ای نوین در رشد آگاهی سیاسی و بیداری توده های زحمتکش

انقلاب مشروطه ایران علیرغم تمام نقائص و کاستی ها و سرانجام شکست آن، سر آغاز مرحله ای نوین در رشد آگاهی سیاسی و بیداری توده های زحمتکش و مبارزه علیه امپریالیسم و سلطه مناسبات فرتوت و کهنه بود. در سالهای آخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، جنبش ضد امپریالیستی - ضد فئودالی خلقهای ایران، بتدریج رشد و گسترش می یافت. اعتراضات پراکنده تجار بازاریا روکسه خرده پاییه دربار و بسته به استعمار روس و انگلیس، شورش های پراکنده دهقانان علیه فئودالها وستم فئودالی و روشنگری های انقلابیون علیه دربار قاجار بتدریج شکل میگرفت. جنبش های پراکنده کم کم و تا حدی سازمان می یافت. بقیه در صفحه ۳

## چرا هیئت حاکمه مانع افشای اسرار فاجعه سینما رکس است؟

تحصن بازماندگان  
شهید ای فاجعه سینما رکس  
آبادان بعد از حدود چهار  
ماه توسط پاسداران و عناصر  
معلوم الحال در هم شکست.  
صفحه ۱۵

## "قانون کار" پیشنهادی "گنگره شوراهای اسلامی کارگران" یا نظیر سرمایه داری توسط "حزب جمهوری اسلامی"

در هفته اول تیرماه بدنبال دعوت "کانون هماهنگی شورا های اسلامی کارگران و اصناف - یکی از زواید حزب جمهوری اسلامی، گنگره های متشکل از ۳۰ تن از نمایندگان کارگران و اصناف در شهر مشهد تشکیل شد. صرف نظر از چگونگی ضوابط انتخاب شوندگان که خود جای حرف بسیاری دارد، پس از آرزوی "پژوه بررسی" (۱) حزب جمهوری اسلامی قانون کار مورد نظر خود را "بنام قانون کار پیشنهادی کارگران سراسر ایران" ارائه داد. حزب جمهوری اسلامی که فکر می کرد در چنین فضای از پیش ساخته شده ای می تواند به یکی از "رسالت های مهم خود، یعنی سرکوب، به انحراف کشاندن و جلوگیری از اوچگیری مبارزات کارگران، جامه قانونیت بپوشاند، آنطور که خود میخواست موفق نبود. اما توانست در این "قانون کار پیشنهادی" بطور کامل سیاست های محوری خود را در راه تثبیت و حمایت از منافع سرمایه داران، مشروع و قانونی نمودن استثمار و چپاول سرمایه داری بگنجاند. بقیه در صفحه ۹

### در این شماره:

کردستان و آذربایجان در پوشش صلح  
موضوع ما (۴) عادلانه، به تبلیغ صلح به هر  
قیمت پرداخته اند صفحه ۵

بررسی مختصر جنبش کارگری در دو سال گذشته (۵)  
کارگران به شیوه انقلابی خواست های  
خود را بر آورده می سازند صفحه ۱۱

صدها میلیون دلار خرید جمهوری اسلامی از امپریالیسم  
سازمانهای دمکراتیک توده ای (۳) بی طرفی؟!  
صفحه ۱۴

مقررات جدید آموزشی گامی در جهت سرکوب  
حقوق صنفی - سیاسی دانش آموزان  
صفحه ۸

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش

### کمکهای مالی دریافت شده

رفقا، دوستان، هواداران! سازمان همیشه با انکابه کمکهای مالی شما توانسته در راه انجام وظایف انقلابی خود گام بر دارد. کمکهای خود را از راههای مطمئنی که میشناسید بمان برسانید و حتماً برای خود دکد و یک حرفه انتخاب کنید.

۲۵۵۶۷	۱۴	۱۰۰۱	الف
۱۷۷۰	۱۲۵۵	۱۱۱۲	۵۸۰۰
۱۴۹۴	۳۱۱۰	۶۹۸۰	۶۸۲۷
۵۰۸۴۵	۱۱۱۰۵	۵۱۲۴	۸۵۰۲
۲۰۲۲۲	۲۱۰۰	۱۵۰۰	۶۰۰
۱۱۰۰	۱۵۰۰	۱۷۵۰	۷۷۷
۳۴۲۵	۱۵۰۰	۵۱۳۵	۵۰۵
۳۵۵۵	۲۱۱۱	۱۱۱۰	۸۵۸۵
۵۸۴	۷۲۲	۷۲۰	۵۰۴۲
۲۴۴۹	۴۶۲۲	۲۱۴۰	الف - ص
۱۶۹۶	۷۴۸۴	۴۲۰۵	۴۴۹۵
۶۱۰۰	۵۳۲۴	۵۹۰۰	ب
۱۲۲۲	۲۰۵۰	۹۰۰۰	۵۶۶
۵۵۵۵	۱۰۳۱۹	۵۲۲۲	۱۸۰۰
۱۰۳۲	۲۱۰۱	۱۲۲۲	۸۰۰۰
۱۰۰۷۷	۴۲۵۰	۵۲۲۲	۱۴۸۵
۵۵۵۵	۵۱۰۰	۵۷۷۷	۵۵۱۲
۳۳۳۳	۵۵۵۵	۷۱۷۱	۵۲۲۲
۵۱۷۶	۲۸۲۷	۵۲۵۷	پ
۱۰۲۲	۲۱۰۰	۵۲۰	۱۰۶۵
۲۰۰۱۲	۲۱۱۱	۵۵۳۹	۱۰۹۹۹
۱۰۱۵۴	۱۲۵۷	۱۵۰۵	۱۱۱۱
بی کد	۶۹۵۵	۶۶۶۶	ح
۱۰۰۰۰	۱۱۲۳۴	۱۷۱۰	۲۷۱۰۲
۱۰۰۰	۱۵۳۲	۲۹۲۸	۱۹۱۰۲
۵۰۰۰	۵۱۰۲	۲۱۲۰	۱۳۶۴
۵۰۰۰	۵۵۵	۱۱۵۶۰	ج
	۶۷۰۰۵	۵۸۴	۵۸۴
		۳۰۱۲۰	۳۰۰۰
		۱۰۰۰	۱۴۹۱۸
		۳۰۹۸	۱۵۱۵
			۱۰۰۱۶

رفقای جنوب	ق ۸۷۲	۱۰۰۰
رفقای شمال	الف ۶۸۷	۱۴۰۰
رفقای غرب	م ۶۶۲	۸۰۰
رفقای شرق	ج ۵۱۴	۱۸۰۰
رفقای آلمان	ک ۹۹ - ۵۰	
رفقای برلن	۳۰۰۰	

در برابر اعتراضات وسیع کارگران قرار گرفته اند، خود را مدافع خواسته های کارگران معرفی می کنند. اما کارگران مبارز و آگاه میهن ما بخوبی میدانند که ما هیئت حزب جمهوری اسلامی را سیاست های بورژوازی حاکم بر آن تعیین میکند کارگران بخوبی آگاه هستند که هیئت حزب جمهوری اسلامی و سازمانهای با مصالح کارگری وابسته به آن هستند که چندی پیش طرح "قانون کارزی را ریختند که از هر جهت ضد کارگری است. بنا بر این حزب جمهوری اسلامی و رهبران آن نظیر بهشتی، رفسنجانی، آیت و غیره بهمان اندازه دشمن کارگران هستند که با زرگان و بنی صدر.

ما ایمان داریم که مبارزه کارگران علیه اقدامات و مصوبات ضد کارگری هیئت حاکمه گسترش خواهد یافت و آنها مجبورند که در مقابل مبارزه کارگران عقب نشینی کنند.

خابله با شورا های واقعی و نیز تصفیه نیروهای مترقی و انقلابی است. اما اقدامات ضد کارگری هیئت حاکمه بهمین جا ختم نمی شود.

قانون تعیین حداقل دستمزد کارگران کشاورزی در حدود ۵۸٪ تومان نیز نمونسه بگیرست از سیاستهای ضد کارگری سران جمهوری اسلامی. آنها با تصویب این قانون نه تنها بین کارگران تبعیض قائل شده، بلکه در شرایط افزایش سرسام آور قیمت ها و کالاهای مورد نیاز زوده های زحمتکش، افزایش اجاره بهای مسکن و صد ها فشار اقتصادی دیگر بیش از پیش کارگران را بسوی فقر و محرومیت سوق داده و زندگی را برای آنها دشوارتر می سازند.

تعیین حداقل دستمزد کارگران کشاورزی به حدود ۵۸٪ تومان چیزی جز خدمت به سرمایه داران و زمینداران و پیرکردن جیب آنها نیست. معلوم نیست که ۵۸٪ تومان کدام حداقل زندگی را برای کارگر و خانواده او تامین خواهد کرد و با تصویب کنندگان این قانون خوبان این امر آگاه نبودند؟ با عتقاد ما شورای انقلاب خوبتر از هر کس با این مسئله آگاه بود، که حداقل ۵۸٪ تومان به چوچه نمی تواند، حداقل زندگی را برای یک کارگر مجرد تا میسر کند. پس هدف آنها چیزی جز خدمت به سرمایه داران نبوده است.

قانون "لخوسو دیوژه" نیز از همین ماهیت ضد کارگری هیئت حاکمه و دشمنی آنها با کارگران ناشی می شود. این مصوبه که حتی یک لحظه نیز نمی تواند مورد قبول کارگران قرار گیرد، هم اکنون اعتراضات وسیعی را از سوی کارگران برانگیخته است.

سو دیوژه در حقیقت بخشی از مزد کارگران است که بمنظور فریب آنها بنام سو دیوژه پرداخته شده است، از این رولسو سود ویژه یعنی کاهش دستمزد کارگران. هیئت حاکمه که بمنظور رکشتا رخلق کرد و سایر خلفهای ایران میلیاردها ریال صرف خرید وسائل و تجهیزات نظامی میکند و پولهای کلانی را بجیب امپریالیستها سرازیر می نماید، بیش از پیش با رایین هزینه های نظامی را بدوش زحمتکشان می نهد. لخوسو قانون سو دیوژه یعنی در حقیقت کاهش مزد کارگران نیز نتیجه سیاستهای ضد انقلابی هیئت حاکمه و خدمت به سرمایه داران است.

مصوبات ضد کارگری آخرین لحظات حیات شورای انقلاب به همه کارگران نشان می دهد که "لیبرالها" سران حزب جمهوری اسلامی هر دو سیاست واحدی را در جهت دفاع از سرمایه داران و سرکوب و فشار بر توده های زحمتکش اعمال میکنند. سیاست با زرگان و بنی صدر از جناح "لیبرالها" و سیاست بهشتی و رفسنجانی از سران حزب جمهوری اسلامی هیچگونه تفاوت اساسی با یکدیگر ندارند.

چیزی که فرایین میان کارگران مبارز میهن باید بدان وقوف یا بند، سیاست عوام فریبانه حزب جمهوری اسلامی است که بدروغ خود را مدافع کارگران و زحمتکشان قلمداد می کند.

در حالیکه سران حزب جمهوری اسلامی نظیر بهشتی ها و رفسنجانی ها در شورای انقلاب، قوانین ضد کارگری را تصویب می کنند، و احداً کارگری حزب جمهوری اسلامی و کارگران و هماینگی شورا های اسلامی که

### سیاستهای ضد کارگری

بقیه از صفحه ۱  
تصویب "قانون لخوسو دیوژه"، قانون تصفیه و پاکسازی "قانون تعیین حداقل دستمزد کارگران کشاورزی" قانون تشکیل شورا های اسلامی کارکنان در زمره اقدامات ضد کارگری اخیر هیئت حاکمه اند.

قوانین مصوبه شورای انقلاب به آشکار ترین وجهی نشان می دهد که جناحهای مختلف هیئت حاکمه اعم از "لیبرالها" و سران حزب جمهوری اسلامی، علیرغم تضادها و کشمکش های درونی خود، سیاست مشترکی را علیه توده های زحمتکش بیوژه طبقه کارگر میهن ما دنبال می کنند.

هدف قوانین مصوبه اخیر چیزی جز اعمال فشار بر نیروهای انقلابی و تضییع حقوق اولیه کارگران و زحمتکشان نیست. قانون تصفیه و پاکسازی که در ظاهر بقصد پاکسازی و تصفیه سرپرندگان رژیم گذشته بتصویب رسید، عملاً بصورت حربه ای علیه نیروهای انقلابی و تصفیه آنها در آمده است. هیئت حاکمه بعوض تصفیه و پاکسازی سرپرندگان رژیم شاه، دست به اخراج و تصفیه نیروهای انقلابی و مبارز زده است. در روزهای اخیر ما شاهد اخراج و تصفیه نیروهای مبارز و انقلابی در ادارات و کارخانه ها بوده ایم. با راهای آز نما بندگان واقعی کارگران را دستگیر و اخراج کرده اند. عملکردهای قانون در همین مدت کوتاه با آشکارترین وجهی نشان می دهد که هیئت حاکمه مردم را میفریبد و چنین وانمود می کند، که این قانون بمنظور تصفیه و پاکسازی عناصر وابسته به رژیم سابق بتصویب رسیده است. ما در واقع امر آنرا بمنظور مقابله با نیرو های مبارز و انقلابی بتصویب رسانده است.

"قانون تشکیل شورا های اسلامی کارکنان" نیز هدفی جز اعمال فشار بر نیرو های انقلابی، کارگران و زحمتکشان و نابود کردن دستاوردهای قیام رادنیال نمی کند. این قانون بیان آشکار سیاست ضد شورایی و ضد کارگری هیئت حاکمه است. هدف از تصویب این قانون، تهی ساختن شوراها از محتوای انقلابی آنها، و تبدیل شوراها به ابزار بی هویت و سیاستی در دست سرمایه داران در جهت فریب و تحمیل توده ها است.

هیئت حاکمه که در عمل شورا های واقعی کارگران و تمامی نیروهای انقلابی را مانعی بر سر راه سیاستهای ضد انقلابی خود یافته است، تمایز تلاش خود را در جهت متلاشی کردن شوراها بکار گرفته است. بنی صدر پس از انتخاب خود دبیر است جمهوری ندای "شورایی شورا" را سرداد. اما سطح رشد مبارزه طبقاتی و بحران سیاسی حاکم با او اجازه نداد که این سیاست خود را بداند که چگونه خواست او بود پیش برد. جناح رقیب او یعنی حزب جمهوری اسلامی نیز بنیویهای دیگر در جهت نابود کردن شوراها گام بر میدارد. سیاست سران حزب جمهوری اسلامی اینست که با حفظ شکل ظاهری شوراها و از میان بردن محتوای انقلابی آنها، شوراها را کارکنان را به ابزاری در جهت خدمت به سرمایه داران تبدیل کنند. هدف از تصویب قانون تشکیل شورا های اسلامی کارکنان،

# انقلاب مشروطه

## سرآغاز مرحله‌ای نوین در رشد آگاهی سیاسی و بیداری توده‌های زحمتکش

مبارزه خلق ایران در همان حال که علیه مناسبات حاکم موجود، یعنی مناسبات فئودالی بود مبارزه علیه امپریالیسم رانیز به همراه داشت زیرا نه تنها خرد بورژوازی شهری زیر فشار حاکم، دهقانان از زیر شدیدترین فشارها قرار می‌داد، نه تنها خرد بورژوازی شهری زیر فشار قرار داشت و خودسری‌های حاکم زندگی توده‌ها را تنگ می‌کرد و خلاصه مناسبات فئودالی بسه درجه ای از گندیدگی و بازدارندگی رسیده بود که مانعی عمده بر سر راه رشد نیروهای مولد شده بود، بلکه در همان حال امپریالیسم نیز در پی غارت و بسند کشیدن میهن ما بود، زیرا انجام با نفوذ آرا قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم نفوذ سلطه استعمار، ایران را به یک کشور نیمه مستعمره تبدیل کرده بود. این سلطه که از مدت‌ها پیش از طریق نفوذ در دستگاه سلطنتی و حکام محلی آغاز شده بود، سر انجام با نفوذ آرا و سرمایه، تکمیل فرآیندهای استعماری و گرفتن امتیازات و دادن وام‌ها، ایران را بطور قطعی به یک کشور نیمه مستعمره تبدیل کرد.

امپریالیسم انگلیس با گرفتن امتیاز خطوط تلگراف، امتیاز روتر، امتیاز تشکیل بانک شاهنشاهی، امتیاز کشتی رانی و دهانه کارون امتیاز خرید و فروش توتون و تنباکو و امتیاز داری و بالاخره صدور سرمایه به شکل سرمایه استقرایی و دادن وام‌ها، نفوذ سلطه استعماری خود را بیش از پیش گسترش می‌داد. روسیه نیز از آن نیز که از مدت‌ها پیش سیاست استعماری واپارانه خود را پس از یک سلسله جنگ‌ها با تکمیل قرار دادهای استعماری انگلیس و ترکمانان، اعمال کرده بود و در دربار قاجار نفوذ بس قابل ملاحظه ای دست آورده بود، با گرفتن امتیاز خطوط تلگرافی، امتیاز شیلات بحر خزر و تأسیس بانک استقرایی روس و بالاخره امتیاز مربوط به امور حمل و نقل و کشتیرانی و صدور سرمایه استقرایی و شکل وام‌ها، همگام با امپریالیسم انگلیس در جهت بسند کشیدن جامعه ما گام برداشت. تمامی این سیاست‌ها، خلق را علیه امپریالیسم برمی‌انگیخت و بنا بر این مبارزه ضد فئودالی و مبارزه علیه امپریالیسم به هم یافته شده بود. تحولات جهانی در آستانه قرن بیستم از جمله رشد گسترش جنبش سوسیال دموکراسی که اگر در اروپا، مبارزات راه‌های بخش دتریکه چین و... بر تحولات ایران تأثیر می‌گذاشت. پیوسته شکست تزاریسیم در جنگ روسیه و ژاپن و انقلاب ۱۹۰۵ روسیه تأثیری ژرف بر جنبش انقلابی ایران و بیداری توده‌ها در جهت دست‌یابی به زندگی نوین گذاشت.

در آستانه انقلاب مشروطه، بورژوازی ایران به مرحله ای رسیده بود که خواستار شرکت در حکومت، لغو تحمیلات متعهد فئودالی و... شده بود. اما بدین لحاظ که بورژوازی ایران را عمدتاً بورژوازی تجاری تشکیل می‌داد که بطور عمده فروشنده کالاها، امپریالیستی بود و بورژوازی صنعتی، عملی که در اینجا مجال بازگود کردن آن نیست، نتوانسته بود رشد کند، این بخش بورژوازی هم بلا لحاظ خلعت تجاری آن و مراد و ارتباط با بازارهای امپریالیسم انگلیس و روس و هم بعلمت بیونی که با مساله زمین داشت، نمیتوانست در مبارزه علیه امپریالیسم و فئودالیسم خصلتی بگیرد و انقلابی داشته باشد. فقدان بورژوازی صنعتی بصورت یک نیروی موثر در جنبش و بدست آوردن، فقدان پرولتاریای صنعتی و ضعف کمی و کیفی طبقه کارگر، بورژوازی تجاری را با خصوصیاتی که برشمرديم در رهبری مبارزه خلق بی رقیب ساخته بود.

در آستانه انقلاب مشروطه، صف بندی‌های طبقاتی چنین بود:

در صف خلق بورژوازی ملی، خرده بورژوازی و تبهی دستان شهری، کارگران و دهقانان

روشنفکران انقلابی و دمکرات را میتوان نام برد.

در صف ضد خلق فئودالها و در رأس آنها دیار و نیز وابستگان به امپریالیسم انگلیس و روس قرار داشتند.

در صف خلق، طبقه کارگر ایران که در آن سالها اساساً به کارگران بنا در، گمرکات، بازرگان و شاکردان تجارت خانه‌ها محدود میشد، بعلمت ضعف کمی و کیفی خود نمیتوانست نقشی موثر و رهبری کننده را در جنبش ایفا کند. خرده بورژوازی و تبهی دستان شهری که فعال ترین نیروهای جنبش بودند نیز بعلمت موقعیت طبقاتی خود و پذیرش رهبری بورژوازی تجاری نتوانستند نقش برجسته ای را در جنبش خلق عهده آورند.

بنا بر این زمینه‌های عینی برای رهبری بلا منازع بورژوازی تجاری در جنبش خلق پدید آمد. آن‌ها بورژوازی تجاری و کارشناسان انقلابی نیز این طبقه را نمایندگان می‌کردند.

طی این سال‌ها، دستگاه روحانیت نیز در حال تجزیه بود و در صف بندی اساساً متضاد در آن شکل میگرفت. در یکسو روحانیونی بودند که از منافع فئودالها دفاع می‌کردند. در میان این عده، کسانی هم بودند که اینجا و آنجا با سلطه مطلق العنان دستگاه قاجار مخالفت داشتند اما این عده از روحانیون برای حفظ مناسبات موجود، از رضایتمندی توده‌ها استفاده کرده و تلاش میکردند که با شرکت در جنبش خلق آترابه براهه بکشند. نمونه برجسته این دسته از افراد، یکی از محتملین سرشناس آن دوران از طرفدار حرکت بالنده و انقلابی خلق، موضوعی بغایت ارتجاعی داشت، شیخ فضل الله نوری بود. او در مقابل مشروطه خواهی نیروهای وابسته به بورژوازی تجاری (بطور سید طبا طبای و بیپانی) مشروعه "خواهی را که در عمل چیزی جز دفاع از منافع و موقعیت طبقات ارتجاعی و نیز تثبیت فئودال - کمپرادور ها، نبود، علم کرده بود.

در سوی دیگر، روحانیونی بودند که پس از شکل گیری و رشد بورژوازی ملی ایران از منافع این طبقه دفاع میکردند. این دسته از روحانیون بیشتر از راه "عدالت خانه" و "قانون کعبه" شعارهای بورژوازی ایران بود و بطور کلی حکومت مشروطه دفاع می‌نمودند.

بین این بخش از روحانیت و بازاریا ریبوند تنگاتنگی وجود داشت. ثانیاً بخشی از روحانیون بویژه طبقات شهیدت نیز خرده بورژوازی شهری را نمایندگان می‌کردند. اینان بخصوص در صف بندی ها و مبارزات پس از مشروطه، حرکت انقلابی بیشتری از خود نشان دادند.

از جمله میتوان در این مورد به شیخ محمد خیابانی و کوچک خان اشاره کرد.

علاوه بر روحانیون، عده‌ای از روشنفکران تحصیل کرده اروپا نیز از منافع بورژوازی دفاع میکردند.

شرایطی که رهبری جنبش را در دست بورژوازی تجاری قرار داد، ضعف تاریخی بورژوازی ایران و بطور کلی عدم شرکت گسترده دهقانان در جنبش و ضعف کمی و کیفی پرولتاریا بود که سرنویست انقلاب یعنی شکست آنرا تعیین کرد و علی‌رغم مبارزات قهرمانانه توده‌های زحمتکش، انقلاب به اهداف خود دست نیافت. سلطه امپریالیسم از جامعه ما بر نیفتاد، طبقه فئودال و دستگاه حاکم مدافع آن سرنگون نگردید. در عرض سالی میان فئودالها و بخشی از بورژوازی که از راه دیگالیسم توده‌ها را سازمان و منافع را با سازش نمیتوانست تأمین کند، یعنی بورژوازی بزرگ تجاری، شکل گرفت و حاکمیتی که نماینده بورژوازی - ملکی بود پدید آمد. طبیعی است که یک چنین حاکمیتی نمیتوانست بی‌تکلیف نیروهای انقلابی را شکست دهد. در انقلاب و تحقق هدفهای آن با شد مبارزه‌ای که توسط توده‌های مردم علیه نظم

موجود شکل گرفت هنگامی که رهبری بورژوازی تجاری بر آن تحمیل شد، به شکست کشید. نتیجه این تحولات، تغییر تدریجی بخشی از بورژوازی ملی به بورژوازی کمپرا دور و شرکت فشاخیر در حاکمیت بود.

از این روی صدور فرمان مشروطیت در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ با نگرانی میان بورژوازی تجاری و فئودالها بود. انقلاب مشروطه علی‌رغم یک دوره کشاکش و نبرد طبقاتی و نشیب و فرازهای خود، طی نزدیک به شش سال، سرانجام با سلطه روزافزون نیروهای فدا انقلاب و خلع سلطه توده‌های مردم، به شکست قطعی کشیده شد اما درس‌های این انقلاب، رهنمود موثری برای هدایت جنبش انقلابی گشت. توده‌های مردم درس‌های آموزنده‌ای از آن گرفتند. انقلاب در سطح خود چهره‌های درحالی نظیر میرخان عمو (علی) انقلابی کمپروسیکی از فعالین جنبش کمونیستی ایران که هم در جنبش مشروطه و هم در سال‌های پس از آن نقشی بسیار ارزنده در رهبری جنبش انقلابی ایفا نمود و نیز شخصیت‌های ملی و مبارزی چون باقرخان و ستارخان پدید آورد. اکنون بحاست که در رابطه با انقلاب مشروطه و شرایط کنونی بگذریم نکته بسیار مهم:

انقلاب مشروطه تحت رهبری سازشکارترین و محافظه کارترین نیروها به شکست کشانده شد و مبارزات فدا میریای لیدیستیک دکراتیک اخیر توده‌های مردم، هنگامی که سران سازشکار خرده بورژوازی سستی مرفه در رأس جنبش قرار گرفتند دراز خطی سازشی که در جنبش قیام شکل گرفته، براه کشیده شد. اگر در انقلاب مشروطه لااقل قدری راه‌های اولیه آن نادر و پتانوجه به شرایط تاریخی آن دوران حقوق دکراتیک توده‌های مردم تا مین شد، این بار هنوز جنمای قیام نگذشته که با پیمان کردن از دیها و حقوق دکراتیک توده‌ها آغاز گشته است.

اگر شکست انقلاب مشروطه چند سال پس از وقوع انقلاب با خلع سلاجقدان و مجاهدین قطعی شد، این بار هنوز چند ماهی از قیام نگذشته که جمله به فدائیان و مجاهدین و خلع سلاجقدان توده‌های مردم آغاز گشته است. اگر در انقلاب مشروطه پس از گذشت چند سالی سر کوب همه جانبه و قهرآمیز توده‌های زحمتکش و اعدام انقلابیون انجام پذیرفته اینبار درست چند روزی پس از قیام سرکوب توده‌ها و اعدام گسترده انقلابیون آغاز گردید.

اگر در انقلاب مشروطه شیخ فضل الله نوری، بخاطر نقش ارتجاعی و نظرات قرون وسطی اش توسط نیروهای انقلابی اعدام میشد، اساساً پس از سازشکار خرده بورژوازی و بورژوازی کلریکا از راه عده حیثیت میکنند و بر اوارج می‌نهند. انقلاب مشروطه و قیام هردو نشان دادند که شرایط تاریخی کنونی هر نیروی جز طبقه کارگر رهبری انقلاب را در دست گیرد شکست انقلاب قطعی است. تنها رهبری طبقه کارگر ما پیروزی مبارزات فدا میریای لیدیستی - دکراتیک توده‌ها است.

ما محاکمه‌های و اعدام‌های شهرام را توسط هیئت حاکمه، اقدامی جنایتکارانه دانسته و آنرا شدیداً محکوم می‌کنیم.

به اعتقاد ما دادگاه‌های جمهوری اسلامی فاقد صلاحیت برای رسیدگی به اشتباهات نیروهای انقلابی‌اند.

ت. هفده

سازمان جریکهای فدائی خلق ایران

# جاودان باد خاطره مبارزه قهرمانانه توده‌های زحمتکش در انقلاب مشروطه

(اعلامیه پیشبینی بخشی از دانشجویان پیشگام)

## هم میهنان مبارز - دانشجویان انقلابی

بیش از یکسال و اندی از قیام قهرمانان خلق ما میگذرد. در تمام این مدت مبارزه ای مداوم در سراسر سرزمین ما جریان داشته است. مبارزه ای که در یک سوی آن توده های تحت ستم و ذر سوی دیگران امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا و پاپ یگانه داخلی، صف آرائی کرده اند.

اکنون نیز این نبرد هر چه بالنده تر و هر چه پرشکوه تر ادامه دارد. هر بار که توده ها به میدان می آیند تا حقوق پایمال شده خویش را بدست آورند، در هر گامی که توده ها برای بدست گرفتن سرنوشت خویش بر می خیزند در سراسر ما به داری و وابسته نیز خشمگین تر و هراسناک تر پیاپی به میدان می گذارند تا به تکیه دستگاها و سرکوب و فریب خویش هر نبرد را به شکستی برای توده ها تبدیل کنند، هر روز که می گذرد بریدن توده ها از حاکمیت و پیوستن بخشی از آن به سازمانهای انقلابی و کمونیست آشکارتر می گردد و می رود تا حاکمیت را در انزوا قرار دهد. آنچه اکنون ما شاهد آن هستیم، تشکیل کامل دو قطب انقلاب و ضد انقلاب است و بیشک در یک دوره تاریخی هر نیروی اجتماعی جایگاه واقعی خویش را در این میان بدست خواهد آورد و انقلاب با ضد انقلاب.

این نبرد، انعکاس خویش را در سازمانها و احزاب نیز به جا خواهد گذاشت و هیچ راه گریزی از این واقعیت سرسخت وجود ندارد و نخواهد داشت. این قانون جا همه بقایای است. در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نیز این مبارزه از مدت ها پیش آغاز شد. در سازمانی که چندین سال در سخت ترین شرایط مبارزه طبقاتی درفش جنبش نوین کمونیستی ایران را برافراشته داشت، در سازمانی که سه پرچم دگر انقلابی و نفی رفرمیسم و اصلاح طلبی بود، اصلاح طلبانی پیدا شدند که صلح اجتماعی را موعظه می کنند. آنها، انقلابی را که اساسی ترین وظایف تاریخی خویش را به پایان رسانده است انقلاب پیروزمند می خوانند، آنها را حاکمیتی را که راه سرکوب توده ها را در پیش گرفته و به اساسی ترین استیهای زحمتکشان میهنان پاسخی نداده است حاکمیت انقلابی می نامند و در این راه به رقابت با دیگر خد متکبران بورژوازی، حزب توده و حزب رنجبران پرداخته اند. آنها از طبقه کارگر و توده های زحمتکش می خواهند که از تسخیر قدرت سیاسی و در هم شکستن دستگاه دولتی چشم ببوشند، آنها صلح و مسالمت می خواهند و مبارزه را در طبعاتی روگردان شده اند. آنها در امانت ریشه ای خویش تردید کرده اند و از ما نیز می خواهند چنین کنیم. آنها از ما می خواهند مسائل مبرم انقلاب را فراموشی بسپاریم و به بحث بر سر اصول عام بپردازیم تا خود میرا حتی بتوانند اصلاح طلبی خویش را پوشیده نگه دارند. آنها از انقلاب خسته شده اند و لذا ما آنها را از حاکمیت درخواست می کنند. آری، آنها از توده ها می خواهند که دست از مبارزه

بسته، به کار روزندگی آرام خود بگردند. سیاستی که آنها در پیش گرفته اند سیاست انقلاب نیست و این سیاست در همه عرصه ها و حوزه های مبارزه طبقاتی خود را نشان می دهد. اکنون پیکار انقلابی دانشجویان نیز در معرض هجوم این سیاست قرار گرفته است. اگر تاکنون یک نیروی ضعیف، دانشجویان انقلابی را به دست کشیدن از مبارزه فراموشی می خوانند، اینسک اصلاح طلبان نوپا نیز چنین خطی را در پیش گرفته اند. جنبش دانشجویی برای حفظ از دستاوردهای سالها مبارزه درخشان خویش و برای گسترش و تعمیق پیروزیهایی که تاکنون بدست آورده است اینک وظایفی سنگین تر بر دوش دارد. مبلغین سازش طبقاتی نمی توانند او را ستند. این انقلابی جنبش دانشجویی میهنان باشند.

آنها پیشبرد مبارزه دمکراتیک و ضد امپریالیستی را از حاکمیتی درخواست می کنند که "اول اردیبهشت ۵۹" تنها گوشه ای از شاخه کارهای آن است. آنها چگونه میتوانند جنبش دمکراتیک توده ای دانشجویان را به پیش برند. آنها نه تنها چنین نخواهند کرد، بلکه حتی در مقابل جنبش توده ای دانشجویان نیز خواهند ایستاد. همچنانکه در مقابل جنبش خلقها و طبقه کارگر ایستاده اند، بیشک اینهم نه یک یا دو اشتباه انحراف بلکه خردی نگریستن است که ریشه اش در گرایش بورژوازی و خرده بورژوازی نهفته است.

این بینشی است که اگر در هر عرصه اجتماعی نمودها بد ضربات سهمگین خود را بر پیکر جنبش انقلابی میهنان وارد می کند. چه در تشکیلات، چه در سیاست و چه در عرصه دیگری می توان و باید این بینش را یافت و به آن ضربه زد. این بینش، بینشی انقلابی نیست و نمی تواند به توده های هوادار تشکیلات اتکا کند و از همین روست که ناچار می شود از اهرم های تشکیلاتی در جهت تحکیم خویش استفاده کند، ناچار می شود از مبارزه ایدئولوژیک بر سر مسائل حاد دومبرم جنبش بگریزد و هر چه بیشتر سعی کند در هواداران و توده های تشکیلات ابهام برانگیز و مسائل خویش را نه صراحتا بلکه در پوشش لفاظی های میان تهی آرام آرام به میان توده ها ببرد. آنچه ما در طول مدت بعد از قیام در تشکیلات پیشگام شاهد بودیم خودنگوهای این مدعاست.

نقض مرکزیت دمکراتیک از سوی این بینش، اهمیت ندان به توده های تشکیلات پنهان کردن اختلافات و مشاجرات دینی بر سر مسائل سیاسی از توده ها و سرانجام تهی کردن محتوای جنبش دمکراتیک دانشجویی و سازمان دمکراتیک دانشجویی، این است تمام آنچه که این بینش برای دانشجویان پیشگام به ارمغان آورد و بعد از این نیز چنین خواهد بود. اکنون حرکتی نوین در سازمان

چریکهای فدائی خلق ایران آغاز گشته است. حرکتی که می تواند به نقطه عطفی در حیات ده ساله سازمان بدل شود. اقلیت انقلابی سازمان با انتشار کار "ع" و "ب" ویژه مسائل حاد دومبرم جنبش مبارزه ایدئولوژیک درون سازمانی را پس از ماهها مبارزه درونی به شیوه ای انقلابی علنی کرده. حرکت اقلیت انقلابی سازمان با واکنش انحلال طلبان کمیته مرکزی مبنی بر اعلام انشعاب روبرو شد و در پی آن ارگانها ای که بیش از یکسال نقش بیچ و مهره ای سازمان را بازی میکردند با انتشار بیانیتهای حمایت خویش را از اکثریت کمیته مرکزی اعلام داشتند.

آنچه با نام "سازمان دانشجویان پیشگام" انتشار یافت نیز از این قاعده مستثنی نبود. اعلام حمایتی که نه از دل یک مبارزه ایدئولوژیک بلکه با استفاده از اهرمهای تشکیلاتی انجام شد تشکیلاتی که در تمام دوران حیات خویش هیچگاه در مبارزه ایدئولوژیک شرکت نکرده بود یک باره دارای مواضع منسجم می شود ما در پس این ظاهر منسجم توده ای شکلی وجود دارد که نام تشکیلات برخوردار شده است، توده ای شکلی که هنوز کمترین تحلیلی از حاکمیت، جنبش دمکراتیک بطور اعم و جنبش دانشجویی بطور اخص، رابطه جنبش دمکراتیک با جنبش طبقه کارگر و بسیاری مسائل مبرم دیگر ارائه نکرده است و چنین توده ای شکلی ادعای انسجام می کند و به تمام "سازمان دانشجویان پیشگام" سنگا صلاح طلبان را به سینه می کوبد.

انقلاب ایران وظایف سنگینی را بر دوش سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) نهاده است و وظایفی که سطره اپورتونیسیم به اجرای آن ضربات فراوانی وارد کرده است. راهی که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پس از طرد اپورتونیسیم حاکم بر سازمان در پیش گرفته است گویی از مسائل پیش روی همه نیروهای هوادار قرار میدهد، ما نیز خواهیم کوشید تا دوش بدوش سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، در پیشبرد سیاستی انقلابی، بویژه در حیطه دانشجویی گام برداریم. تقویت، گسترش و تشکل جنبش دانشجویی و ایجاد ارتباط ارگانیک بین این جنبش و جنبش طبقه کارگر و خلقها، این است آنچه ما در راه آن گام بر میداریم.

نا بویا دامپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پاپ یگانه داخلی هر چه مستحکم تر با پیوند جنبش دمکراتیک ضد امپریالیستی دانشجویان با جنبش سراسری خلقهای ایران بخشی از دانشجویان پیشگام مدانشگاهها و مدارس عالی تهران



مسئله کردستان  
و موضع ما ۲

اپورتونیست ها در پوشش  
صلح عادلانه. به تبلیغ صلح  
به هر قیمت پرداخته اند

در شماره های گذشته پیرامون مواضع اپورتونیستی "کمیته مرکزی" درباره ماهیت سیاستهای هیئت حاکمه در کردستان، خصالت و ماهیت مبارزات خلق کرد و چگونگی تحریف واقعیات در کردستان سخن گفتیم. در این شماره به بررسی درک آنان از "صلح عادلانه" و راه روشی که برای حصول به چنین صلحی در پیش گرفته اند، می پردازیم.

"کمیته مرکزی" امروز برقراری صلح در کردستان را در سرلوحه برنامه های خویش قرار داده و در این راه بهسر عمل و اقدامی حتی تحریف واقعیات موجود در کردستان دست می زند. آنها نخست علل اجتماعی و طبقاتی، مبارزه خلق کرد و خصالت و ماهیت جنگ را تحریف نموده و آنرا "روباروئی مردم با مردم" قلمداد می کنند. خصالت عادلانه جنبش مقاومت خلق کرد و خصالت ضدانقلابی و سرکوبگرانه نیروی مسلحانه هیئت حاکمه به کردستان و سرکوب قهرآمیز توده های زحمتکش کرد را نادیده می گیرند. ویس از تحریف مضمون اجتماعی جنگ در کردستان، جنگ را محکوم نمود و به تبلیغ صلح می پردازند.

آنها مبارزه انقلابی توده های زحمتکش کرد را در تقابل با مبارزه ضد امپریالیستی و نمود ساخته و از خلق کرد میخواهند که با انصراف از مبارزه انقلابی به تبعیت و دنباله روی از حاکمیت تن دهد و اینرا تنها طریق صحیح دست یافتن به صلح میدانند. البته آنها میخواهند خود را طرفدار "صلح عادلانه" جا بزنند ولی آنچه در پوشش "صلح عادلانه" تبلیغ می کنند، چیزی جز بندوبست با هیئت حاکمه و صلح بهر قیمت برای گرفتن "امتیازاتی" نیست. آنها می نویسند: "ما از همه نیروهای سیاسی مسئول در کردستان دعوت می کنیم بخاطر پایان بختیدن به جنگ برادر کشی و استقرار صلح عادلانه در کردستان تمام کوششهای خود را بکار گیرند" (بیانیسه در باره وظایف نیروهای انقلابی و مترقی در کردستان)

اینکه در کردستان باید برای استقرار "صلح عادلانه" کوشید امری است کاملاً درست. اما صرف اعلام اینکته برای استقرار "صلح عادلانه" باید کوشید نمیتواند بیانگر ماهیت واقعی سیاستهای آنان باشد. بلکه چگونگی برخوردشان به قدرت حاکمه و مبارزات خلق کرد و جنگ در کردستان و راه روشی که برای دست یافتن به صلح در پیش می گیرند مضمون واقعی سیاستهای آنان را تعیین می کند. نشان میدهد که آیا براساسی آنان برای حصول به "صلح عادلانه" تلاش می نمایند یا برای تأمین صلح به هر قیمت. با همین بررسی هاست که در می یابیم آنها علیرغم ادعای ظاهری شان در طرفداری از "صلح عادلانه" در عمل برای برقراری صلح به هر قیمت می کوشند. اختلاف ما با آنها نه بر سر مسائل فرعی، غیر عمده و تاکتیکی، بلکه بر اساس دو بینش، دومی و دو استراتژی کاملاً متفاوت و متضادی می باشد که بیانگر اختلاف بین دوشی انقلابی و رفرمیستی در جنبش کارگری ایران است. ما اعتقاد داریم مبارزات خلق کرد ریشه درستم ملی

و طبقاتی ای دارد که سالیان درازی است خلق کرد زیر بار آن ستم و استثمار قرار دارد. مبارزات خلق کرد برای دست یافتن به حقوق دمکراتیک خویش مبارزه ای عادلانه و بحق است و حکومت که با انکار حقوق دمکراتیک خلق کرد به سرکوب قهرآمیز توده های زحمتکش کرد اقدام کرده است، سیاستی ضد انقلابی را دنبال می کند و مقاومت مسلحانه خلق کرد در برابر یورش سرکوبگرانه ارتش، سپاه پاسداران، جاشها و مرتجعین محلسی، دارای خصالت عادلانه و ماهیت مترقی میباشد. قدرت دولتی که بطور عمده در اختیار بورژوازی متوسط قرار گرفته است خصالت و ماهیتش نفی دمکراسی بطور عام و نفی حقوق دمکراتیک خلق کرد بطور خاص می باشد و حکومت بنا به همین خصالتش حقوق دمکراتیک خلق کرد را بر سمیت نخواهد شناخت و در چهارچوب بورژوازی جمهوری اسلامی این حقوق دمکراتیک قابل حصول نیست.

بنابسه شرایط ویژه پس از قیام بهمن ماه و سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه، خلق کرد توانست با اقدام مستقل، مستقیم و انقلابی خویش، پاره ای از خواسته های دمکراتیک خویش را بچنگ آورد، همان حقوق دمکراتیکی که حاکمیت کنونی، بنا به ماهیتش در صدد پایمال نمودن و محو نابودی آنست.

توده های زحمتکش خلق کرد می بایست از این دستاوردهای انقلابی که با اقدام مستقل خویش بچنگ آورده اند در برابر تهاجم قدرت دولتی دفاع نمود و دامنه آنرا بسط و گسترش دهند. هر چند تحقق کامل خواسته های خلق کرد بدون کسب قدرت سیاسی - توسط خلق و برقراری دمکراسی توده ای ممکن نیست، اما این بدان معنی نیست که خلق کرد از مبارزه انقلابی برای کسب حقوق دمکراتیک خویش منصرف گردد.

همچنین این بدان معنی نیست که مارکسیست - لنینیست های انقلابی از هدایت مبارزه فراطع انقلابی برای تحقق کلیه این خواسته ها چشم پوشی نمایند. این چشم پوشی فقط به نفع بورژوازی و امپریالیسم خواهد بود. تنظیم برنامه ای برای این خواسته ها و پیش بردن مبارزه برای تحقق این خواسته ها به طریق رفرمیستی بلکه بشکل انقلابی ضرورت حتمی دارد.

وظیفه مارکسیست - لنینیست های انقلابی، نه محدود کردن این خواسته ها در چارچوب مشروعیت قانونی بورژوازی بلکه درهم شکستن آن، نه محدود کردن مبارزه به اعتراض های شفاهی و نصیحت هیئت حاکمه، بلکه کشاندن توده ها به عرصه عمل واقعی و گسترش دادن و برانگیختن مبارزه، شامل مبارزه برای هر نوع خواست اساسی و دمکراتیک تا حمله مستقیم پرولتاریا، علیه بورژوازی می باشد.

گسترش و تعمیق مبارزه انقلابی توده های خلق کرد، تبلیغ و ترویج وسیع دمکراتیسم پرولتاریائی در بین زحمتکش ترین توده ها، این است وظایف مارکسیست - لنینیست های انقلابی.

تشدید ستم ملی، مارکسیست - لنینیست ها را وادار نمی کند که از هدایت مبارزه خلق قهرآمیز بگریزند، بلکه آنان را وامیدارد از تضادهای که بر این اساس بوجود می آید برای بحرکت در آوردن توده ها و گسترش عمل مستقیم و انقلابی توده ها سود جویند.

امروز با وضعیت خاصی که خلق کرد در آن قرار دارد، در نتیجه یورش نیروهای سرکوبگر دولت جنگ بر خلق کرد تحمیل گشته و توده های زحمتکش خلق کرد در روی آنگاهنهای سرکوبگر حکومت قرار گرفته و به تابلو نظامی با آن کشیده شده اند. خام طبعی و ساده لوحی خواهد بود هر آینه بیندیشیم که ما باید و اندر زون نصیحت مینویسیم آن علل اجتماعی را که موجب بروز جنگ گردیده است از میان برداریم.

هنگامیکه بنا به یک سلسله علل اجتماعی جنگ در کردستان بروز می کند و توده ها به عرصه رودر روئی مسلحانه با حکومت کشیده می شوند، وظیفه انقلابی به محاکم می کند که با شرکت فعالانه در مبارزات توده ها در جهت سازماندهی و هدایت مبارزه انقلابی توده ها گام برداریم. و بیوند بین این مبارزات و مبارزات سرتاسری طبقه کارگر و دیگر خلقهای تحت ستم میهن مان را برقرار سازیم و با برافراشتن پرچم دمکراتیسم پرولتاریائی در سنگر مبارزات زحمتکش کرد، این مبارزات را درست و راستای مشخص رهبری نمائیم.

مادر شماره های گذشته توضیح دادیم که در شرایط کنونی سرنگونی حاکمیت نمیتواند هدف بلا واسطه مبارزات خلق کرد و جنگ در کردستان قرار گیرد. اگر بنا به عللی جنگ به خلق کرد تحمیل می گردد این جنگ در محدوده های کردستان محصور خواهد ماند و لذا هدف چنین جنگی کسب بلا واسطه قدرت سیاسی نمیتواند باشد.

هدف نیروهای انقلابی از شرکت در این جنگ سازماندهی، شکل و آگاهی دادن به توده ها، دفاع از دستاوردهای قیام و بسط و گسترش دامنه آن، کسب پیروزیهای سیاسی و مجبور کردن حاکمیت به قبول صلح دمکراتیک (یا عادلانه) می باشد (صلح با پذیرش برخی خواسته های دمکراتیک خلق کرد). اگر حاکمیت جنگ را به خلق کرد تحمیل می کند، خلق کرد باید صلح دمکراتیک (صلح عادلانه) را به حاکمیت تحمیل نماید.

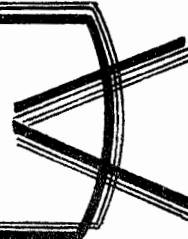
با این صلح هر چند تمامی خواسته های خلق کرد بر آورده نخواهد شد یعنی به یک معنی صلح عادلانه به مفهوم واقعی آن نیست (یعنی صلحی که بتواند تمامی خواسته های خلق کرد را بر آورده سازد و پایدار باشد). ولی آنچنان شرایطی را بوجود خواهد آورد که میتوان در آن شرایط برای سازماندهی و ارتقا مبارزه توده ها بهره گرفت و به تربیت و تشکل توده ها پرداخت. این چنین صلحی که به نیروی توده ها و مبارزه انقلابی

آنها به حاکمیت تحمیل می گردد، مبارزه طبقاتی را تضعیف نکرده بلکه آنرا تقویت خواهد کرد. و در جهت منافع مبارزه طبقاتی توده های زحمتکش و طبقه کارگری باشد.

بقیه در صفحه ۶

با نگاه به نیروی توده ها برای صلح عادلانه در کردستان بکوشیم

مسئله کردستان  
و موضع ما (۴)



اپورتونیست هادر  
پوشش صلح

بقیه از صفحه ۵

این صلح که صلی است مشروط در صورت تغییر تناسب نیروهای طبقاتی بسود خلق و انقلاب میتواند برقرار گردد. پذیرش این صلح از جانب حاکمیت نه دلیل خصلت دمکراتیک و ماهیت انقلابی آن (چرا که قدرت حاکمه فاقد چنین خصوصیتی است) بلکه بعقل تناسب نیروهای طبقاتی و اجبار حاکمیت صورت خواهد گرفت. این صلح باید با انچنان شرایطی برقرار گردد که زمینه سازماندهی توده های وسیع استثمارشده را تضعیف ننماید. و بنا بر این نگاه به توده ها و مبارزه انقلابی بیگانه می شود. اصولی برای رسیدن به چنین صلحی است.

البته در این رابطه حتما مذاکره و گفت و شنود بیبنی نمایندگان خلق کرد و هیئت حاکمه صورت می گیرد و ما بهیچوجه مخالف مذاکره نیستیم. اما برخلاف اپورتونیستها، مذاکره را بیگانه طریق و اساس تلاشمان برای رسیدن به صلح نمی دانیم بلکه نگاه به توده ها و مبارزه انقلابی زحمتکشان را اساس تلاشمان برای رسیدن به صلح قرار می دهیم و برای مذاکره و گفت و شنود نقشی فرعی و تکمیلی کننده قائل هستیم.

حالا ببینیم اپورتونیست ها چه راه و روشی را برمیگزینند. استراتژی آنان چگونه است و درکشان از "صلح عادلانه" چیست؟ آنها می نویسند: "ما از همه نیروهای سیاسی مسئول در کردستان دعوت می کنیم بخاطر پایان بخشیدن به جنگ، برادرکشی و استقرار صلح عادلانه در کردستان تمام کوششهای خود را بکار گیرند." (بیانیه) و "تحقق پاره ای از خواسته های خلق کرد از طریق مذاکره و گفت و شنود با دولت قابل وصول است و میتوان بر سر آن خواسته ها با حکومت به مذاکره نشست. این نظر اعتقاد دارد در طرح خواسته های حداکثری آنجا که قابل وصول نیست به معنای ادامه جنگ و درگیری خواهد بود... ما از این دیدگاه دفاع می کنیم و به خاطر دست یافتن به اصولی که بتواند منبای مذاکره قرار گیرد از تمام امکانات سازمان استفاده می کنیم" (بیانیه تاکید از ماست)

اساس نظریات آنان چنین است: "تحقق پارامی از خواسته های خلق کرد از طریق مذاکره و گفت و شنود آنها قدرت حاکمه را دارای ماهیت انقلابی و خصلت ضد امپریالیستی و دمکراتیک قلمداد می کنند و علت بروز جنگ و انکار حقوق دمکراتیک خلق کرد را توسط هیئت حاکمه معلول "ناگاهی" و "توهم جناح های جنگ طلب هیئت حاکمه میدانند. و بر این اساس وظیفه نیروهای انقلابی را زدودن "توهم" و "ناگاهی" جناح های جنگ طلب از طریق مذاکره و گفت و شنود، تعیین می کنند.

آنها حتی هنگامیکه مشاهده می کنند نمایندگان مجلس شورای اسلامی با انکار کلیه حقوق دمکراتیک خلق کرد در بند چهار قطعنامه خویش می گویند: "آنها گونه ها و مصالح با کار و گروهای ضد انقلاب و هرگونه تشکیلات جدا خود داری شود." بعضی تعیین ماهیت طبقاتی چنین سیاسی مینویسند: "در این بند، عدم اطلاع تنظیم کنندگان قطعنامه از موقعیت و وضعیت کردستان و خطراتی که در سراسر مین، انقلاب مردم ما را تهدید می کند، بطور آشکار چشم می خورد." (سر مقاله ارگان سراسری

کمیت مرکزی شماره ۶۵) یعنی علت اتخاذ چنین سیاستی را از جانب ارگان های تصمیم گیرنده و اجرائی هیئت حاکمه معلول بی اطلاعی و ناگاهی آنان وانمود می سازند. و در جای دیگر علت و مانع اصلی عدم برقراری صلح را محیط آکنده از سوءظن دانست می نویسند: "بیش از یکسال از جنگ و برادرکشی در کردستان چنان محیط آکنده از خصومت و سوءظن در منطقه ایجاد نمود که بدون اقدام عملی جهت از بین بردن آن، پیشبرد امر صلح عملا امکان ناپذیر است و هر دو طرف با استفاده از آن مدام یکدیگر را

به جنگ افروزی متهم خواهند نمود" (بیانیه) آنچه موجب ادامه جنگ گردیده است "بی اطلاعی" جناح های مختلف هیئت حاکمه و ایجاد محیط "سوءظن" است و بدون اقدام عملی جهت از بین بردن آن پیشبرد امر صلح عملا امکان ناپذیر است. و با چنین درکی است که "کمیت مرکزی" خود را موظف می داند "که برای استقرار صلح عادلانه در کردستان همچنان به تلاشهای روشنگرانه خود ادامه دهد" (سر مقاله ارگان سراسری کمیت مرکزی شماره ۶۵) تا شاید این تلاشها روشنگرانه توهمات جناح های جنگ طلب را بزداید محیط "سوءظن" به محیط "حسن نیت" و "تفاهم" تبدیل شده "صلح عادلانه" برقرار گردد! البته بار عمده چنین وظیفه ای یعنی ایجاد محیط "تفاهم" بر دوش دولت است چرا که این آقایان می نویسند:

"ما اقدام بخاطر از بین بردن چنین قضائیی را عمدتاً وظیفه دولت میدانیم (بیانیه) و بدنیال همین تلاشهای روشنگرانه است که از دولت جمهوری اسلامی و شخص رئیس جمهوری استمدادی طلبند و می نویسند: "ما مصرا از دولت جمهوری اسلامی و شخص رئیس جمهور میخواهیم بخاطر پایان دادن به جنگ و برادرکشی در کردستان اقدام جدی بعمل آورند" (بیانیه - تاکید از ماست)

و در ادامه این سیاست پیگیر در جهت برقراری صلح است که نمایندگان کمیت مرکزی برای مذاکره با آقای بهشتی می روند و می گویند:

"ما اکنون چنین وظیفه ای را بر عهده خود میدانیم این قضا و محیط جنگ زده که بین مردم و نیروهای سیاسی در کردستان بوجود آمده بارها حلها می سیاسی و از طریق بحثها حل کنیم. اعتماد وجود دارد، اگر ما به شما اعتماد نداشته ایم که در این حد بتوانیم بیاییم اینجا صحبت کنیم هرگز این کار را نمی کردیم... ما با خیلی ها اینکار را نکردیم حتی یک کلمه" (متن مذاکره با بهشتی - تاکید از ماست) و پس از اعلام اعتماد به سران حزب جمهوری اسلامی است که از دست کردن "جوی" که خراب شده است صحبت بیان می آید و می گویند: بهشتی، جورا خراب کرد ما، جورا خراب شده قبول کنید که جورا خراب کرد ما. نماینده کمیت مرکزی شماره ۱۰: خراب شده آقای بهشتی نماینده کمیت مرکزی شماره ۲۰: باید در جهت درست کردنش قدم برداریم.

آری از نظر اپورتونیستها تنها مشکل و مانع برقراری "صلح عادلانه" محیط "سوءظن" و "جو" خراب شده است. که باید با گفت و شنود برطرف گردد.

هدف، برنامه مویشی "کمیت مرکزی" عبارتست از "تحقق پاره ای از خواسته ها"، از طریق مذاکره و گفت و شنود. چیزی که در بررسی های آنان جایی ندارد، توده ها و مبارزه انقلابی آنهاست.

حال این پاره ای از خواسته ها که ما زدودن "توهمات" جناح های جنگ طلب هیئت حاکمه و تحقق خواهد یافت. کدامیک از خواسته ها است و بر چه مبنای و اساسی باید تنظیم گردد معلوم نیست آنها فقط می گویند:

"الان با موقعیتی که کردستان دارد اگر آن حداقل حقی که در چهار چوب جمهوری اسلامی قابل قبول هست برای مردم کرد در نظر گرفته نشود این صلح بوجود نمی آید." (متن مذاکره با بهشتی) نظراتی اپورتونیستها اینست: با وضعیتی که امروز در کردستان وجود دارد باید بهر حال حداقل حقوقی رعایت گردد تا صلح برقرار گردد. تا اپورتونیستها بتوانند مبارزات خلق کرد را از مسیر انقلابی خویش منحرف سازند و این پاره ای خواسته ها

قدرت دولتی که بطور عمده در اختیار بورژوازی متوسط قرار گرفته است. خصلت و ماهیتش نفی دمکراسی بطور عام و نفی حقوق دمکراتیک خلق کرد بطور خاص میباشد، حکومت بنا به همین خصلت حق در چهار چوب بورژوازی جمهوری اسلامی این حقوق دمکراتیک قابل حصول نیست.

برای اپورتونیستها دستاویزی با شدیدی فریب توده های خلق کرد که به آنها میگویند: "خلق کرد می تواند در چهار چوب جمهوری اسلامی بسیاری از حقوق دمکراتیک خود را بیچنگ آورد و حفظ نماید." (سر مقاله ارگان سراسری شماره ۶۸) آنها که از رهبری مبارزه انقلابی توده ها و رهبری بر تافته و اعتماد به حکومت راجا یگزین اعتقاد به تسودها ساختنند راه دیگری نیز جز گفت و شنود و بندوبست با هیئت حاکمه نمی توانند در پیش گیرند. آنچه برای آنان فاقد اهمیت و ارزش است، مبارزات عادلانه خلق کرد و خواسته های بحق آنهاست.

اپورتونیستهای نوپا فقط می خواهند که بهر هر صلح برقرار گردد و البته میدانند که خلق کرد از اینهمه مبارزه و کسب آگاهی، حقوق دمکراتیک را که با مبارزه انقلابی خویش بچنگ آورده است بسا دگی رها نخواهد کرد و به همین دلیل به حکومت پیشنهاد می کنند که حداقل حقی برای آنان در نظر گرفته شود تا بتوانند صلح را برقرار سازند.

آنچه اپورتونیستها حقیقتا در پی حصول آنند و لابد آنرا از دولت جمهوری اسلامی قابل "وصول" می دانند، نه "بسیاری حقوق دمکراتیک خلق کرد" بلکه برخی "امتیازات" است که کار علنی و قانونی را برای اپورتونیستها فراهم خواهد ساخت. چرا که خود آنها نیز بمانع اعتراف کرده و گفته اند:

"حالا مسائل مشخص است یکی امتیاز تشریفات است یکی زندانیها هستند. یکی هم اگر محل دیگری برای فعالیت در نظر بگیریم قهرمی کنید این در شرایط کنونی جوسیاسی کشور امکان پذیر هست یا نه؟" (متن مذاکره با بهشتی - تاکید از ماست) بقیه در صفحه ۷

سرکوبگران خلق کرد، دشمن همه خلقهای ایران هستند



## کارگران باز هم "قانون تشکیل شورای اسلامی کارکنان" را نقض خواهند کرد

شوراهای شرکتهای دولتی بزرگ از قبیل شرکتهای تابعه وزارت نفت، شرکت ملی فولاد ایران، شرکت ملی صنایع مس ایران و غیره را که "بر اساس این قانون منوط بتصویب هیئت وزیران خواهد بود" غیرقانونی کنند و ثالثاً: باتوسل باین قانون شوراهای واقعی و انقلابی کارکنان واحدها (از جمله شورای اسلامی کارکنان صنعت نفت اهواز) را منحل اعلام کنند (کیهان ۵/۶/۵۹) و بالاخره همه این کارها را در پوشش لایحه "قانونی" انجام بفرمایند و با تکیه بر این قانون توده کارگران آنها را بفریبند. اما اگر آنچه باعث تصویب مجدد این قانون توسط شورای انقلاب است، عدم اجرای قانون قبلی است، اگر کارگران در صحنه مبارزه طبقاتی عمل آن را نقض کردند و تن با اجرای آن ندادند، حال سرمایه داران با چه تضمینی این قانون را تصویب رسانده اند؟ بدیهی است که با اتکاء به ارگانهای سرکوبشان، کارگران برای خنثی کردن روش جدید سرمایه داران، با توضیح و افشای تک تک مواد این قانون به همزمان و همکاران خود، آن را با قانونسابق مقایسه می کنند و بخصوص با تاکید بر دلایل عدم اجرای لایحه سابق، مقاومت استوار و دیرپائی را علیه تهاجم جدید سرمایه داران تدارک خواهند دید.

مطرح می شود که چرا نظریه سرمایه داران همواره میکوشند تا باتوسل بشیوه های گوناگون کارگران را بفریبند و شیره جان آنها را بکنند. تهدید و تطمیع دوشیوه همیشگی سرمایه داران بوده است. در مقطعی که توسل به شیوه های سرکوب دیگر کارایی لازم را از دست می دهد، شیوه تطمیع و دادن امتیاز (البته غیر اساسی) آغاز می شود. در این مورد خاص سرمایه داران وقتی دیدند که دیگر سرکوب کارگران انقلابی در پوشش تصفیه و پاکسازی نه تنها نتیجه مثبت چندانی بیارنیاورده است بلکه در موارد متعددی بیالارفتن آگاهی طبقاتی کارگران و حتی مقاومت و پایداری توده کارگران در برابر دادن نمایندگانی واقعی خود انجامیده است، پالایشگاه تهران (پخش)، شرکت نفت لاوان، ساکا و حفاری روش خود را تغییر دادند و امساز درون پوساندن شورا، و "قانون تشکیل شوراهای اسلامی کارکنان واحد های تولیدی صنعتی خدماتی و کشاورزی را در ۱۶ ماده و ۱ تبصره" بتصویب ششوی شورای انقلاب رسانیدند تا اولاً: با اتکاء آن از تشکیل شوراهای جدید و انجام انتخابات شوراهای قدیم جلوگیری کنند، ثانیاً: تشکیل

بار دیگر "قانون تشکیل شورای اسلامی کارکنان واحدهای تولیدی صنعتی-خدماتی و کشاورزی" به پیشنهاد شورای عالی کار بتصویب شورای انقلاب رسید و این در حالی بود که در پانزده سال گذشته قانون مشابهی بتصویب شورای انقلاب رسیده بود. بدیهی است هر کارگر نیمه آگاهی هم از خود می پرسد چرا بدون رد لایحه قانونی تصویب شده قبلی، قانون جدیدی نوشته و بتصویب رسیده است؟ علت این اقدام را قبل از هر چیز باید در اجرائ شدن و پیروی کاغذماندن لایحه قانونی گذشته دانست البته دولت آقای بازرگان و نیز شورای انقلاب میخواست و بسیار هم کوشید که قانون تشکیل شوراهای اسلامی کارکنان در عمل پیاده شود و با اجراء رأی شوراهای سازش طبقاتی (در آن زمان ما بشورای فرمایشی مذکور این نام را دادیم) موجودیت پیدا کنند. اما کارگران آگاه و مبارز با تکیه شور مبارزاتی توده کارگران و آگاهی نسبی آنان (که محصول قیام بود) توانستند جلوتنهاجم و تلاش دولت را برای بی محتوی کردن شوراهای بگیرند و عملاً قانون فوق الذکر را نقض کنند. حال با توجه با اینکه طراحان این لایحه جهت تامین منافع سرمایه داران همان ضوابط و اصولی را در نظر داشته اند که طراحان لایحه اولی، این سوال

## مسئله کردستان و موضع ما

### اپورتونیست ها در یوشش

بقیه از صفحه ۶

اپورتونیستها خواست واقعی خویش را در پیشگاه آقای بهشتی و در مذاکرات مخفی شان فاش ساخته اند مسائل مشخص است؛ "امتیاز نشریه"، "زندانیها"، "یکی هم اگر محل دیگری...". آری براساسی که مسائل برای اپورتونیستهای ما مشخص است آنها نه در پی سازماندهی مبارزه انقلابی توده ها و تجهیز و تشکل آنان بلکه بدنبال کسب امتیاز نشریه و اجاز فعالیت ملنی و قانونی هستند و حاضرند برای کسب این "امتیازات" از طریق گفت و شنود با هیئت حاکمه بر سر حقوق دمکراتیک خلق کرد "معامله" کنند. با چنین اعتمادی به هیئت حاکمه میوه میوه کسب این امتیازات است که رهو داران شان می خواهند تحت فرمان سپاه پاسداران درآیند و از مردم میخواهند که اطلاعات خود را در اختیار سپاه پاسداران، کمیته ها و ستاد خنثی سازی توطئه... قرار دهند. (تراکت) حال "کمیته مرکزی" می تواند از این که ما میگوئیم آنها تحت پوشش صلح در کردستان بدنبال صلح بهر قیمت و سازش با هیئت حاکمه هستند بفرار وخته گردند و بگویند:

"امروز چنین تبلیغ می کنند که فدائیان خلق (منظورشان کمیته مرکزی است - کار) با طرح این مسائل میکوشند راهی برای سازش با حکومت بیابند و سیاست های خود را توجیه نمایند؟ و ما را متهم به دفاع از صلح بهر قیمت می نمایند. طبیعی است کسانی که وظیفه برقراری جمهوری دمکراتیک خلق را بر دوش مبارزه ملی خلق کرد قرار داده اند چنین تعبیر و تفسیر ساده گرایی نه ای از سیاست های ما داشته باشند و اخیراً اقلیت منسحب از سازمان در انتقاد به سیاستهای کردستان سازمان شتابان به این جمع ساخته شده پیوسته است (سرمقاله ۶۵) آنها نه تنها خصلت عادلانه مبارزات خلق کرد و عمل اجتماعی و طبقاتی این مبارزات را تحریف کرده و وارونه جلوه می دهند، بلکه اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی بین ما و خودشان را نیز تحریف می کنند. آنها برای آنکه با صلاح از خود رفع "اتهام" نمایند و بگویند که طرفدار صلح بهر قیمت نیستند، دست به تحریف نظریات ما زد و میخواستند چنین وانمود سازند که گویا ما وظیفه برقراری جمهوری دمکراتیک خلق را بر دوش مبارزات خلق کرد میدانیم.

اولاً: ما با رهان اعلام کرده ایم وظیفه برقراری جمهوری دمکراتیک خلق را بر دوش مبارزات خلق کرد نمیدانیم بلکه این وظیفه جنبش سراسری همه خلقهای ایران تحت رهبری طبقه کارگر است ما از همان آغاز با این مسأله تاکید داشتیم و این نظر خود را به شکل کتبی به پلننوم ارائه دادیم. (همان نظریاتی که بخشی از آن را در کار شماره ۶۷ منتشر کردیم) و بر اساس همین تحلیل بود که از صلح دمکراتیک دفاع نمودیم. "کمیته مرکزی" نیز بخوبی از نظریات ما خبردار و علیرغم روشن بسودن آنچه در این زمینه مطرح کرده ایم، باز در جهت تحریف موضع ما، به دروغ توسل می جوید!

ثانیاً: این آنها بود که بدون هیچگونه تحلیلی در نشریه "ریگی گل" شعار جمهوری دمکراتیک خلق را مطرح کردند و پس از مدتی با زبانی هیچ توضیحی آنرا حذف کردند. ابتدا معتقد به شرکت در جنگ کردستان بدون نام بودند، بعد شرکت با نام ما دیگر مطرح شد، و بالاخره معتقد به عدم شرکت در جنگ کردستان گشتند و در این میان، با آنکه مدام تغییر موضع و نظر داد ما، به تحلیلی روشن که توجه کننده تغییر

زحمتکشان، و فرمیسیم چیز دیگری نیست. در پایان ذکر نقل قولی از لنین برای آنهایی که حاکمیت راملی میدانند و علیرغم سیاست سرکوب و اختناق هیئت حاکمه محدودیت هائی که بر سر راه تشکل و آگاهی طبقه کارگر توده های زحمتکش پدید آورده است به تثبیت و حمایت از این حاکمیت می اندیشند، ضروری است تاروشن شود که برخورد کمونیستها در کشورهای تحت سلطه نسبت به بورژوازی ملی و حاکمیت ملی چگونه باید باشد، و تقریباً در همه موارد اصطلاح "انقلابی - ملی" را بجای اصطلاح "بورژوا دمکراتیک" بشناسیم. اهمیت این تغییر در این است که کمونیستها فقط زمانی باید از جنبشهای بورژوا - آزاد بخش در مستعمرات پشتیبانی کنیم و پشتیبانی خواهیم کرد که این جنبشها حقیقتاً انقلابی باشند و نمایندگان آنها جلوی مارا در آموزش و سازماندهی انقلابی دهقانان و توده های استثمارشده نگیرند اگر این شرایط وجود نداشته باشد کمونیستها این کشورها باید با بورژوازی و فرمیست کس رهبران انترناسیونال دوم نیز از آن جمله نام مبارزه کنند "گزارش کمیسیون درباره مسائل ملی و استعماری"

نظراتشان باشد، نیرداخته اند! ثالثاً: تعبیر و تفسیر "ما از سیاستهای آنان نه تنها ساده گرایی نه نیست بلکه کاملاً تحلیلی علمی و مستند است و این را با نقد نظریات آنها در گذشته نیز اخیراً در نشریه کار نشان داده ایم. این آنها هستند که بعلت ورشکستگی ایدئولوژیک شان همواره به تحریف نظریات دیگران (در دو یا سه خط به "مبارزه ایدئولوژیک"؟) مبادرت می ورزند و از ارائه تحلیل و ابراز صریح نظریات خویش ظفر می روند. با آنکه یکسال و نیم از قیام بهمین ۵۷ گذشت ما ستاپورتونیست های "کمیته مرکزی" هنوز از قدرت حاکم و ترکیب طبقاتی آن نه تنها تحلیل مشخصی ارائه نده اند بلکه از تغییر صد و هشتاد درجه ای مواضع شان هم صحبتی به میان نمی آورند! باید گفت: آنان هیچگاه اعتقادی به مبارزه ایدئولوژیک نداشته و ندارند!

اکنون هر خواننده ما که با روشنی درمی یابد مضمون واقعی سیاست هائی که اپورتونیست های "کمیته مرکزی" بنام "صلح عادلانه" از آن دم می زنند، به جز "صلح بهر قیمت"، بندوبست با هیئت حاکمه در جهت کسب برخی امتیازات، و در نهایت خالی کردن سنگر مبارزه

## مبارزه ضد امپریالیستی جدا از مبارزه برای دمکراسی نیست

مقررات جدید آموزشی

گامی در جهت پایمال کردن حقوق صنفی - سیاسی دانش آموزان

همزمان با شروع ثبت نام برای سال تحصیلی آینده، دانش آموزان از خود میپرسند: آیا امسال با همان کتابهای دوره طاعت را در دستور آموزش داریم؟ آیا باید به استناد از ابتدای تریبون حقوقمان با مدیران و دبیران مدرسه درگیر شویم و به انتقاد و مختلف از ایجاد مراکز برای مطالعه و بحث و گفتگو روی مسائل که در جامعه مان اتفاق می افتد محروم باشیم؟ آیا باز هم همکلاسی هایمان را بجزم فروش روزنامه های سازمانهای انقلابی، بجزم شرکت در متینگ های ضد امپریالیستی، بجزم کار آگاه گرانه روی دانش آموزان، اخراج میکنند و یا برندان می اندازند؟ آیا امسال بازم امکانات مدرسه در اختیار گروهی خاص قرار خواهد گرفت که نه از میان دانش آموزان بلکه توسط اولیاء مدرسه انتخاب شده (و بیشتر نقش عامل اجرایی مدیران را در کلاس ها دارند تا نماینده دانش آموزان، و موظفند گزارش فعالیت های دانش آموزان را به بالا بفرستند)؟ آیا امسال باز هم شوراهای واقعی دانش آموزان در معرض تهاجم و تحت فشار اولیای مدارس (برای تبدیل به شوراهای فرمایشی) خواهد بود؟ آیا امسال هم کسان دیگری بجای ما، در مورد مشکلات مدرسه و نیازهای دانش آموزان تصمیم خواهند گرفت؟ آیا امسال هم معلمین انقلابی که براساسی نقشی ارزنده در آگاهی ما دانش آموزان داشته اند و در لایلهای محتوای پوچ کتابهای درسی، درین - زندگی و مبارزه را بمسأله آموخته اند تحت فشار و خطر اخراج و زندان خواهند بود؟ بانگهای کوتاه به مقرراتی که آموزش و پرورش برای سال جاری تدوین کرده است، پی میبریم که در سال تحصیلی جاری، نه تنها امکان جدیدی برای فعالیت های صنفی - سیاسی بچه ها در نظر گرفته

شده بلکه مکاناتی که دانش آموزان فدائوکارها و جانبازهایشان در قیام خونین ۲۲ بهمن و آفریدن حماسه هایی چون ۱۳ آبان بدست آورده اند نیز از آنها بازپس گرفته شده است. در بخشنامه جدید آموزش و پرورش، فعالیت های سیاسی در مدارس ممنوع شده و تنها به انجمن اسلامی اجازه فعالیت رسمی داده شده است. در بخشنامه جدید تصریح کرده اند: "ما مورثی هستیم، برای اینکار عده ای را آماده کردیم. این مسأله خواهد بود و خواهی که انجمن اسلامی وجود خواهد آورد. این انجمن در زمینه کارهای هنری نظیر نمایش فیلم، تهیه نمایشنامه، روزنامه نگاری و... و کلاسهای ایدئولوژی که در دو سال گذشته اوج گرفته بود فعالیت خواهد داشت، لیکن از گروه گزافی قطعاً" جلوگیری خواهد شد، یعنی مدرسه قطعا مرکز فعالیت گروهی نیست... این در شرایطی است که ما تجربه یکسال آموزشی را از سر گذرانیم و در این یکسال شاهد فعالیت های دانش آموزان با گرایشات فکری مختلف در شوراهای مدارس بوده ایم. ما تجربه کرده ایم که انجمن اسلامی همواره بعنوان سدی در برابر توده های دانش آموز قرار داشته، بجهت های عضو انجمن اسلامی در شوراها همیشه بنفع و از موضع اولیای مدرسه حرکت کرده اند نه از موضع دانش آموزان. ما میگوئیم این ضابطه جو سیاسی مدرسه را به انحصار یک گروه خاص در میآوریم و بجهت ها از جو عمومی جامعه دور میکند. ما میگوئیم در بخش فعالیت های فوق برنامه مدرسه وجود مکرراتیک برای فعالیت های دانش آموزان باید وجود داشته باشد تا آنها بتوانند در برخورد با

نقطه نظرات مختلف، با تصمیم گیری روی مسائل صنفی - سیاسی محیط آموزشی خود، درستی ایدئولوژی های مختلف را در عمل بیازمایند و برای ساختن ایران آزاد و دمکراتیک فردا از امروز مسئولیت بپذیرند و تربیت بشوند. در رابطه با زمینه مسا عد برای برخورد عقاید دانش آموزان باید بگویم، مسئولین آموزشی گفته اند: "... بحث آزاد که در نهایت موجب تقویت فکری و بالا بردن آگاهی و بینش دانش آموز میگردند تنها در محیط آموزشی موضوع نیست بلکه معلمان و مربیان مدارس نیز خود نقش سزائی در این خصوص خواهند داشت، آنچه مورد نظر ماست هرگونه برخورد های بی نتیجه و گروه گرایانه و تضادهای فکری که اغلب بدون آگاهی از ماهیت واقعی آن گروه و دسته انجام میگیرد میباید... لذا محیط آموزشی مقدس تر و مهم تر از آن است که بخواهد صحنه این برخوردها باشد. ما میگوئیم رشد فکری بدون برخورد با نظرات مختلف امکان پذیر نیست. در شرایطی که به بهانه تصفیه عناصر ضد انقلاب و وابسته به رژیم سابق، معلمان انقلابی و مبارزان که گاه سالها در زندانهای شاه جلا بد بسر بردند و در دوران قیام فعال ترین نقش را در به حرکت در آوردن اطرافیان نشان ایفا کرده اند، بجزم داشتن عقاید چپ و دفاع از زمینکشان، از محیط آموزشی اخراج میکنند، بالا بردن آگاهی سیاسی توسط معلمین شغری نیست. ما میگوئیم معلمین انقلابی و متوفی باید به مراکز آموزشی برگردند. معیار برای برگزینی کادرهای آموزشی باید در سابقه و ایستگی به رژیم سابق باشد نه گرایشات فکری خاص... ما میگوئیم محیط آموزشی در صورتی "مقدس" خواهد بود که

در آن بتوانیم آگاهی را در زمینه های علمی سیاسی، اجتماعی و... بالا ببریم و گرنه آموزش مجرد پدیده ها در کلاسهای درس و حفظ کردن فرمولهای فیزیک و شیمی و... جدا از مبارزه ای که در بطن جامعه جریان دارد، دانش آموزان راه گوسفندان بی آزاری تبدیل خواهد کرد که رژیم سابق قصد پرورش آنرا داشت. در ماده ۳ "تین نامه اجرایی قانون مربوط به نحوه مصرف درآمد دانش آموزان" تصریح شده: "در هر دبیرستان شورائی بنام شورای عالی مرکب از پنج نفر بشرح زیر تشکیل میگردد. رئیس دبیرستان، دو نفر از دبیران تمام وقت، دو نفر از اعضای انجمن اولیای و مربیان مدرسه. ما میبرسیم مگر نه اینکه دانش آموزان عمده بیروی هر مدرسه را تشکیل میدهند و به همین دلیل اینها بیشتر و بهتر از هر کس دیگری به نیازها و امکانات مادی مدرسه واقفند و باید بر اساس اولویت های کاریشان (که در شورای دانش آموزان بتصویب میرسد) بودجه را به مسائل مختلف در مدرسه اختصاص دهند پس چرا در شورائی که بمنظور بررسی امور مالی مدرسه ایجاد شده حتی یک نماینده از دانش آموزان که بتواند بازرگانه ها و مشکلات آنان باشد شرکت داده نشد است؟ بنظر ما وظیفه بر خورد با کلیه مشکلات، نیازمند بهیاء و امکانات مدرسه میباید شورائی مرکب از نمایندگان

واقعی دانش آموزان و نماینده مربیان مدرسه میباید. تنها در این صورت است که به مسائل دانش آموزان بطور واقعی و درست برخورد خواهد شد. وزارت آموزش و پرورش با اعلام شرایط جدید ثبت نام و تعیین مقررات و ضوابط مختلف برای سال تحصیلی جاری، نشان داد که تا چه حد جدا از شور و آگاهی انقلابی دانش آموزان حرکت کرده و معیارهایش در برخورد با مسائل دانش آموزی همان معیارهای روی موزیم سابق میباشد. آنها امروز هم چون گذشته جوانان را مهره های میدانند که براحتی میتوان برای ایشان وظیفه تعیین کرد و برای آنها جدا از واقعیات جامعه برنامهریزی کرد. دانش آموزان نیروهای رشد یافته امروز سازندگان فردای ایران آزاد و دمکراتیک هستند. آنها چه در مبارزه علیه رژیم سابق و چه در مبارزه ضد امپریالیستی دمکراتیک فعلی نشان داده اند که بدرستی شایستگی قبول مسئولیت های زیادی برای خدمت به توده ها دارند. از این رو باید از هم امروز به این مسئولیتها واقف بود و در جهت بالا بردن توان خود و کسب قابلیت برای قبول این مسئولیتها حرکت کند. مدرسه متعلق به دانش آموزان است، برای اداره و استفاده صحیح از امکانات مختلف آن تنها شورای واقعی نمایندگان دانش آموزان میتواند نیروها را به بهترین نحو سازماندهی کند.

قانون کار پیشنهادی

بقیه از صفحه ۱۰  
دستمزد و محدودیت های آن، در مورد تا مین مسکن و پرداخت حق مسکن، سرویس غذاخوری و تسهیلات بهداشتی ایمنی محیط کار، لزوم جمعی بودن قرارداد کار، اجبار وجود کلاس های سواد آموزی و محسوب شدن زمان آن جزو زمان کار در مورد بیمه های اجتماعی، در مورد قوانین بازنشستگی و از کار افتادگی و خلاصه در مورد تمامی آنچه که متضمن حقوق کارگران است، قانون کار پیشنهادی ساکت است. زیرا عدم وجود یک قانون منسجم سراسری دست کارفرما و سرمایه دار را کمالات میگذارد تا با خیال راحت تا جایی که میتواند و زورشان میرسد در جماعتشمار را بالا برده شیر بیشتری از جان کارگران بکند.

بیکاری برای سرمایه داران بازار مصرف ایجاد نمی نماید بهیچوجه بولی هم از جیب آنها در نمی آورد زیرا به مجرد سرکار رفتن گیرند موام باید تماسی آن را مسترد دارد (خدا میداند کار مزدین وام جقدر خواهد بود!) سوم با حفظ لشگری از بیکاران بدون وام بیکاری بر فشار خود افزود سطح دستمزدها را تا حد ممکن پایین نگه خواهد داشت. قانون کار پیشنهادی در مورد سایر حقوق و خواسته های کارگران ساکت است. در مورد حداقل دستمزد و افزایش آن در رابطه با نرخ تورم، در مورد سایل زمان ایاب و ذهاب، در مورد اضافه کاری و نوبت کاری و اضافه





نتیجتهای این "قانون" ازدو عنصر اساسی که چهارچوب نوشته و بافت "قانون کار" را میسازد و تا ما نظرات حزب جمهوری اسلامی و دیگر نماینده گان "مدیریت و سرمایه داران" حاضر در جلسه بود، و بخش دیگر فرعیات، که بشکل حشو و زوائدی به "قانون کار" تحمیل شده که خود تجلی گرایشات مترقی و مبارز پر خنی نمایندگان واقعی کارگران در جلسه بوده است. این تعداد که با طرز نحوه انتخابات و فضای حاکم بر کنگره اقلیت بسیار ضعیفی را تشکیل میدادند نتوانستند در تدوین این "قانون" نقش زیادی داشته

۲- سیاسی بودن جوامع و رشد و گسترش مبارزات طبقاتی که به همراه خود رشد آگاهی طبقاتی کارگران و زحمتکشان را نشان میدهد، سرمایه داران را مجبور به تن دادن بیک سلسله رفورها و امتیازاتی برای حفظ چهارچوب سیستم می نماید. ۳- حزب جمهوری اسلامی تمامی موجودیت و بقای خود را از برکت پایگاه توده ای خود دارد که بر توده و اعتماد نا آگاهانه توده ها استوار است، ولی عمق پای بی بحران اقتصادی، رشد تورم گرانی، بیکاری و کمپایی ما محتاج توده های محروم روز بروز فقرو فلاکت ر اهر چه محسوس تر می کند و بهمان نسبت جدائی توده های

کارگاهها شناخته میشوند... در ماده ۱۳ حدود وظایف شورا های اسلامی شرح یر می باشد. اداره کلیه امور کارگاه که شامل تامین حقوق حق کارگران... بستن کلیه قرارداد های کارگاه، تشکیل امور مالی و حسابداری، ایجاد اداره فروش و تعیین خط مشی فروش بر اساس موازین اسلامی و... در بر داشتی سطحی (واحیانا اپورتونیستی) این تصور پیش می آید که حزب با اعتقاد کامل به حاکمیت شوراهای خلقی این حق حاکمیت را در قانون کار پیش نهادی خود رسمیت بخشیده است ولی اگر پیش تر بروم می بینیم که علاوه بر راههای گریز یا بقولسی

ذهن خود اعضای شورا را نماینده کارگران نمایندگانه (یعنی منتخبین کارگران نه با تصمیم گیری و یا حتی تأیید خود کارگران بلکه بدست دادگاههای صالحه (حتما صالح از نظر وزارت کار و دیگر نهادهای بورژوازی) است. در ماده ۴۷ آمده "هیچ کارگری را نمیتوان از کارگاه اخراج کرد مگر با حکم و تأیید کمیته حل اختلاف و نظیر شورا" (کمیته حل اختلاف مرکب از دو نماینده شورا و یک نماینده تام الاختیار کارفرما است - ماده ۴۹) و در تکمیل آن در ماده ۴۸ آمده "در صورت اختلاف ما بین کمیته حل اختلاف و شورای کارگاه و مدیریت... سه

های اسلامی سراسری کشور "ماده ۵۳- مشخصا روشن است که حزب قصد دارد سیاست محوری خود را در قالب قانون کاری "شورایی" و "عوام فریبانه" پیاده نماید. و شوراهای ایشکلی کامل در بست بصورت ارگانی زیر تسلط و کنترل کامل کارفرمایان و سرمایه داران تبدیل نماید. ۵۰ نماینده بورژوازی، ۴ نماینده منتخب "شوراهای اسلامی سراسری کشور" (که معلوم نیست نماینده کارگر باشند یا نه)، برای "تصویب این نامه های اجرایی قانون کار"؛ تو خود بخوان از این حدیث، که مصوبات این ارگان در خدمت سرمایه داران است یا کارگران!

۲- جلوگیری از هرگونه مبارزه علیه دولت و یا علیه کارفرما:

یکی دیگر از سیاستهایی که حزب در تمامی موارد برضد کارگران، دهقانان و زحمتکشان اعمال می نماید، جلوگیری از هر گونه مبارزه حق طلبانه و سرکوب آن می باشد. حزب با استفاده از توهم توده ها سعی دارد عمدتا

"قانون کار" پیشنهادی "کنگره شوراهای اسلامی کارگران" یا تطهیر سرمایه داری توسط "حزب جمهوری اسلامی"

بقیه در صفحه ۱

باشند و ابادی حزب جمهوری اسلامی از ابتدای انتخابات کنگره بر آن حکمروائی داشتند. از این رو با بررسی چهارچوب نظرات مستتر در این "قانون" (بخوان نظرات حزب جمهوری اسلامی یکبار دیگر ماهیت این حزب از یکطرف، در دفاع از سرمایه داری و "مشروعیت" بخشیدن به "سرمایه بر ملا می شود، و از طرف دیگر ضدیت آن با شورا ها و سندیکاها و تمامی نهادهای کارگری - سعی در ایجاد دشواری های زرد و خالی نمودن شورا از محتوای انقلابی، در تبدیل نهادهای کارگری به زائده های مدیریت کارخانمورد خدمت سرمایه داران و سد امن زدن بنضاد بین کارگران بر اساس تقسیم بندی کاذب "مذهبی" و "غیر مذهبی" و... افشای می گردد.

قانون کار پیشنهادی

در بررسی این "قانون" باید نکات زیر توجه داشت ۱- محور عملکرد حزب جمهوری اسلامی بعنوان حزبی ماهیتا بورژوازی خارج نمودن سیستم سرمایه داری و سرمایه داران از زیر پرده و تا مین و تشبیه هر چه بیشتر منافع آنان است البته این مساله ارتباط تنگاتنگی با انحراف کشانیدن، سرکوب و جلوگیری از رشد مبارزات کارگران دارد.

حزبی را از حزب سرعت می بخشد با توجه به این نکات است که حزب نمی تواند سیاستهای خود را بشکل روبرو و عریان و با صراحت بیان کند و بدون دادن امتیازاتی بتوده ها آنها را با جرارد آورد. حزب جمهوری اسلامی برای پیاده نمودن سیاستهای بورژوازی خود روشهایی را برگزیده که عمده ترین آنها چنین است.

انابدیل شورا به انبار دست سرمایه داران:

یکی از اساسی ترین سیاستهایی که توسط حزب اعمال میشود مبارزه با شوراهای واقعی کارگران و زحمتکشان است. بعلمت جو سیاسی حاکم و آگاهی کارگران سرمایه لزوم تشکل در نهادهای انقلابی از جمله شوراهای محوری را که حزب در این مورد دنبال می کند نه نابودی شوراهای (زیرا قادر به این عمل نیست) بلکه خالی نمودن شوراهای از محتوای انقلابی، ایجاد دشواری های زرد و بدل نمودن شورا به زائده ای از دستگاه مدیریت است این سیاست را به زیر کانه ترین شکل در قانون کار پیشنهادی "کارگران سراسری ایران" می بینیم. در ماده ۸۰ این قانون عالی ترین مرجع قانون

نفس کش های قانونی موجود در این موارد که جای هرگونه تعبیر و تفسیر را باقی می نهد در قسمت هائی از این پیش نویس نقش شوراهای برخی محدوددهای عملکردی این صورت مشخص مطرح شده است بشکلی کامل مفهوم و معنی "بالا ترین و عالی ترین مرجع قانون" از نظر حزب روشن گشته است.

در ماده ۱۱۷ آمده "در صورت اخراج کارگر از سوی مسئولین کارگاه با تأیید شورا طبق آئین نامه ای که توسط هیئتی مرکب از سه نماینده شورا

و دو نماینده دولت تنظیم می گردد عمل می شود. "بیا در ماده ۱۸ "اخراج نمایندگان کارگران و اعضای شوراها موکول به دادگاههای صالحه می باشد" در این جانش قاطع و تصمیم گیرنده این "بالا ترین و عالی ترین مرجع" بخوبی روشن است. از سویی اخراج کارگر گزیده به تشخیص و تصویب شورا بلکه از سوی کارفرما و با تأیید شورا صورت میگیرد که در عین حال آیین نامه این عمل را نیز نه شورا و نه هیئت منتخبی از کارگران بلکه هیئتی مرکب از سه نماینده شورا و دو نماینده دولت (بخوان نماینده کارفرما) تنظیم می نمایند. از سوی دیگر اخراج نمایندگان کارگران و اعضای شورا (معلوم میشود نویسنده در

نفر نماینده از کانون شوراهای یک نفر قاضی دادگستری و یک نفر نماینده وزارت کار و یک نفر نماینده وزارت کشور و یک نفر مدیر! به اختلاف رسیدگی و رای فوق قطعی و لازم الاجرا است. "باللغجب! از این بالاترین و عالیترین مرجع" که این چنین قدرت تصمیم گیری دارد که در صورت اختلاف کمیته ای مرکب از ۴ نماینده مستقیم بورژوازی و ۳ نماینده از کانون شوراها به کارش رسیدگی می کنند.

تمامی این مواد که در مورد یکی از اختیارات "تام و تمام" شورا یعنی "استخدام و پاکسازی (تصفیه و اخراج) "ماده ۱۳ بود کاملا روشن می کند که هدف و منظور حزب از عالیترین و بالاترین ارگان و مرجع چیست! خوشبختانه عالیترین ارگان برای "تصویب آئین نامه های اجرایی قانون کار" یعنی همین جزئیات ناقابل کو طایف دقیق "شورا" را مشخص می کند نیز ارگانی "شورایی" است و جای هیچگونه تکیه رانی نیست. "اعضای شورای عالی کار عبارتند از... وزیر کار و دو نفر صاحب نظر... با پیشنهاد دوزیر کار و دو نفر از نمایندگان مد پیران به پیشنهاد وزارت صنایع و معادن چهار نفر نماینده منتخب شورا

از راه "غیر قانونی" و "غیر شرعی" قلمداد کردن این مبارزات چنین سیاستی را اعمال کند. مانند روز روشن است که فشار و اقیات و مبارزات بی امان نیروهای پیشرو و کارگران و زحمتکشان مترقی و مبارز این سیاست را در تمامی زمینه های عملی با شکست روبرو خواهد کرد. و وجه مختلف این مساله را در "قانون کار پیشنهادی" می بینیم در وهله اول حزب باید آوری این مساله که "قانون کار بایستی منطبق با قانون اساسی... باشد" (مقدمه) به کارگران گوشزد میکند که از این قانون کار خواستار هیچگونه حقوق دیکراتیک نباشند. حواله دادن به قانون اساسی ارتجاعی یعنی گوشزد این مساله که تمامی حقوق حق کارگران که برای آن مبارزه نموده اند، از جمله حق اعتصاب، حتی قابل طرح نیز نیست. از سوی دیگر در قانون پیشنهادی در قسمت "تشکیلات کارگری" کوچکتر، سخنی از نهادهای کارگری چون سندیکا و اتحادیه و... نیست. ممکن است افراد "خوش نیت" بگویند این متن پیشنهادی است و شاید این قسمتها فراموش شده. ولی زمانیکه در سخنرانی نهلنده شهر صنعتی قزوین در "کنگره کانون همافکنی شوراهای اسلامی" بقیه در صفحه ۱۰

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

# “قانون کار پیشنهادی”

بقیه از صفحه ۹

می خوانیم "ماشورای خواهیم نهندیک" (همانطور که بررسی شد معلوم است منظور از شورا چه نوع شورایی است) هدف و منظور حزب در خلع سلاح کارگران در مقابل کارفرما و سرمایه دار روشن ترمی شود. حزب قصد دارد تمام سلاح های مبارزه پرولتاریا در مقابل سرمایه دار و کارفرما از جمله حق اعتصاب، سندیکا، اتحادیه و... را "غیرقانونی و غیررعی" اعلام کند.

## ۳- تکیه بر لزوم افزایش تولید و تنظیم سرمایه داری

بر اثر اوچگیری مبارزات کارگران و زحمتکشان و بر اثر شناخت نسبی آنان از ماهیت استعماری سرمایه، حزب مجبور است سرمایه داری را با دوز و کلت های "صداستشاری و ضد" امپریالیستی "تظهير، باز سازی و حفظ نماید. حزب جمهوری اسلامی سعی دارد با وارونه جلوه دادن مبارزه ضد امپریالیستی آنرا به منصفی افزایش و از یاد تولید جدا بنماید و به کارگران و نمود کند افزایش تولید در کارخانه های که از بنیاد وابسته است نه بسود سرمایه دار و نه بسود امپریالیسم بلکه در جهت مبارزه ضد امپریالیستی است "بر حسب نیازی به استقلال و خودکفائی کشور که تنها با نیروی لایزال کارگران تحقق پذیر است هر روز نیاز بیشتری به افزایش زمان کار احساس میشود به این منظور ساعت کار بر حسب نیاز جامعه فعلا ۴۸ ساعت مقرر می گردد. ماده ۲۴. کارگران در هفته هر روز جمعه با استفاده از حقوق تعطیل می باشند. ماده ۲۷ تا زمانیکه بنیادهای وابستگی پارچاست و تازمانی که سرمایه وابسته کارخانجات را بگردش می آورد افزایش تولید در درجه اول به انباشت سرمایه وابسته خدمت میکند بدین خاطر است که هیچگاه به مفز حزب چون خطور نمی کند که اگر مساله تولید بیشتر و خودکفائی مطرح است چرا کارکنند تا هم تولید بالا رود و هم یکی از خواستهای برحق کارگران یعنی ۴۰ ساعت کار در هفته اجرا گردد و هم تعداد زیادی از بیکاران بکار گرفته شوند و از این راه همه جهات کمک و

مساعدتی "در حق" مستضعفان و پابرنه ها "انجام شود. حقیقت این است که این مسائل آنقدرها پیچیده نیست که به فکر حزب و سرمایه داران نرسد ولی آنها می خواهند "با یک تیر چند نشان بزنند" یعنی هم با افزایش ساعت کار کارگران درجه بهره کشی را بالا برند، هم با حفظ ارزش بیکاران بتوانند نگهدارند و هم در صورت استخدام چند شیفت کارگر پرداخت حق بیمه و بهداشت و مسکن و... به کارگران پیش می آید که به "نفع مملکت" (بخوان نفع سرمایه داران) نیست. حزب سعی می کند به کارگران و نمود کند که دیگر در کارگاهها و کارخانجات استعماری بهره کشی وجود ندارد و ارتباطی "برادرانه" بر اساس برابری حقوق بین کارفرما و کارگر برقرار است. کارگران باید بدانند حقوقی که میگیرند "وجه نقدی" است بدو از استعمار و بهره کشی که به طور کامل پرداخت میگردد. ماده ۲۵. به حزب سعی دارد به استعمار و بهره کشی سرمایه داران لباس شرعی بپوشاند. در تبصره ماده ۱ میگوید: "منظور از فرد یا افراد (که کارگر نیروی کار خود را در اختیار او قرار میدهد) صنوف کوچکی است که بدو از هرگونه استعمار و بهره کشی در جامعه فعالیت می نماید. ماده ۲۶ میگوید: "حقوق و جمنقدی است که به بدو از استعمار و بهره کشی بطور کامل در قبال کار پرداخت میگردد" و مشخص است که با این تفصیل وقتی بهره کشی وجود دارد و نه استعمار، سرمایه دار بیچاره هم سودی نمی برد و تولید می شود به "شخصیتی اعتباری و موقت که در قبال کارگاه مسئول میباشد" ماده ۳۰. و کارگاه (منظور همان کارخانه است) هم نه محلی برای مکیدن شییره جان کارگران و انباشتن سرمایه بلکه "مجلسی می باشد که گروهی برای تعالی اقتصادی جامعه در آن مشغول بکار میباشند" ماده ۴۰. در اینجا است که کارگر علاوه بر حقوق خودش یعنی حقوقی که "بدو از هرگونه استعمار و تولید پرداخت می گردد" از جامعه مزایا نیز می گیرد "مزایا کلیه امکانات

مادی و اجتماعی است که علاوه بر حقوق (که خود بدو از هرگونه استعمار و تمام پرداخت شده) پرداخت میگردد "ماده ۳۴. از این چندین نتیجه میتوان گرفت، اولاد بگر استعماری وجود ندارد که کارگران و زحمتکشان بر علیه آن مبارزه کنند و در نتیجه کارگران نباید هیچگونه دشمنی با کارفرما، سرمایه دار یا دولت داشته باشند زیرا عادل ارزش کار خود را "تماما" دریافت می کنند. ثانیاً مزابائی که به کارگر پرداخت می شود علاوه بر ارزشی است که تولید کرده پس کارگران و زحمتکشان نه تنها باید شکرگزار و دعاگو باشند بلکه حق کوچکترین اعتراضی نیز در این مورد ندارند زیرا "اضافه بر حق خود از جامعه میگیرند (شاید هم بهره کشی میکنند). ثالثاً چون مزایا، اضافه میلی است که به کارگر داده می شود مقدار آن باید حداقل و ناچیز باشد تا به سایر اقشار و طبقات جامعه (مثلاً سرمایه داران) ظلم نشود و صدایشان در نیاید (این مورد را در قسمت دیگر بررسی می کنیم). بله حزب اینطور وانمود میکند که استعمار از جامعه رخت بر بسته و کارگر و سرمایه دار "برادروار" باید برای تولید هر چه بیشتر در راه مبارزه با امپریالیسم و استعمار بکوشند و بدینوسیله می خواهد اساس و بنیان سرمایه داری را از زیر ضربهای مهلک کارگران و زحمتکشان بدر برد. غافل از اینکه کارگران و زحمتکشان مبارز در طول مبارزات پیگیری و بی امان خود با رژیم پهلوی و در دو ساله اخیر با گوشت و پوست خود اساس استعمار و بهره کشی و علت اصلی وابستگی را که همانا مالکیت سرمایه داران بر وسائل تولید است، لمس کرده اند. کارگران و زحمتکشان کینه خود نسبت به بهره کشی بی رحمانه امپریالیستی را در مبارزات بی امانشان در مقابل سرمایه داران و مفتخوران متلور خواهند کرد و دیگر هیچ کس و هیچ "حزبی" نمی تواند با لباس شرعی یا قانونی سرمایه داری را از زیر ضربات آنها برهاند.

## ۴- راههای گزین قانونی برای سرمایه داران

حزب علاوه بر بکارگیری تمامی روشهای نامبرده برای تأمین و تثبیت هر چه بیشتر منافع سرمایه داران در قانون در قبال دو طرف قضیه "یعنی کارگران و سرمایه داران دو طرفه مهم رابعه گرفته است. از یک

طرف برای سرمایه داران تا جای ممکن تسهیلات و راههای گریز از بر قانون را تعبیه می کند تا اگر در چهار چوب این قانون "بوزروائی احساس" دلنگسی نمودند با فراغ خاطر در زیر پوشش آن به استعمار و چپاول هر چه بیشتر بپردازند. این عمل تعاریف ناقص و تکیه بر مضامینی چون "شرع و عرف" انجام داد. مثلاً ماده ۱۴ می بینیم "... مدبران و کارفرماها نمیتوانند قراردادهایی را برخلاف عرف اسلامی معمول با کارگران منعقد سازند. ... با کمی دقت در معنی عرف آنها عرف اسلامی معمول، تغییر آن نسبت به وضعیت جامعه و محل و تعابیر مختلف ممکن از آن در می یابیم این ماده مدبران و کارفرماها می توانند قرارداد دیگری بخواهند به کارگران مواد در قانون پیشنهادی بسیار است. اما از طرف دیگر حزب می کوشد کارگران و تمامی حرکات و فعالیتهای آنان را در زیر پوشش تسلط خود بگیرد و کوچکترین جنبشهای کارگری باقی نهد و

## ۵- شکل برخورد حزب به خواستهای کارگران

تازمانی که پای منافع سرمایه داران و تثبیت آن و سه چهارم بخت کشیدن کارگران در پیش است حزب در تدوین ماده و تبصره دست و دل بازی است و این عمل چندان ادا نمیدارد و به مجردی که به بیان خواستها و منافع و حقوق کارگران میرسد به نهایت خست بدل می شود. یکی از محدود مسائل که در این مورد حزب به آن اشاره کرده "وام در ایام بیکاری" است که در این مورد هم کاملاً جانب سرمایه دار رعایت گشته و حتی الامکان حقوق "مستضعفین" پایمال شده است. اولاً با چشم پوشی کامل برخواست صریح تمامی کارگران یعنی بیمه

تازمانی که بنیادهای وابستگی پارچاست و تازمانی که سرمایه وابسته کارخانجات را بگردش می آورد، افزایش تولید در درجه اول به انباشت سرمایه خدمت میکند.

برای این منظور تمامی بخش "امور فرهنگی در کارگاهها" یعنی مواد عالی و غیر اختصاص داده است. مضمون اصلی این بخش چنین است که "کلیه کارکنان هر کارگاه میتوانند برای ارتقاء پیشرفت اسیل اسلامی، فرهنگی، سیاسی اجتماعی خود انجمن اسلامی ایجاد نمایند" ماده ۶۰ و مسلمانان نیز باید در این زمینه فعالیت داشته باشند. بنا بر این "شعرعی است و نه قانونی". و از طرف دیگر بر فرض ایجاد نهادی دیگر بجز انجمن اسلامی (فرض محال) و وقتی "کلیه مکانات فرهنگی هر کارگاه اعم از کتابخانه، نمازخانه، سالن سخنرانی، کلاسهای سواد آموزی و... بایستی در اختیار انجمن اسلامی هر کارگاه قرار گیرد" ماده ۴۰ دیگر امکانی برای بقای این نهاد باقی نمی ماند. حزب میخواهد توسط این حیلها سرمایه داران را در مقابل موج مبارزات کارگری حفاظت

بیکاری، حزب در قانون خود از "وام بیکاری" که آنها "شرایط پرداخت و بازپرداخت وام و طرز نام نویسی" آن "در آیین نامه جداگانه تدوین خواهد گردید" (ماده ۵۹ قسمت ۴ تبصره ۲) نام میبرد که در عین حال این وام "خیرخواهانه" هم شامل حداقل نیمی از کارگران و زحمتکشان و بیکاران نمی گردد زیرا شرط ثبت نام برای پرداخت آن "حداقل ۶ ماه سابقه کار در یکی از کارگاههای کشور" است که مشخص است بسیاری از زحمتکشان شهری و روستایی و کارگران بیکار از جمله کارگران ساختمانی را در بر نمی گیرد. حزب در اینجا هم باید یک تیر چندین نشان را می زند. از سویی با پرداخت وام بیکاری سعی در تخفیف بخشیدن مبارزات کارگری داشته خواهد دو هم آنان را دامن زند. از طرف دیگر در عین حال که با پرداخت وام

بقیه در صفحه ۸

سود ویژه، که قسمتی از دستمزد کارگران است، باید پرداخت گردد

مقامات حتی با شکایت نامیده آنها "بینی شان را هم پاک نمی کنند" (اشاره به گفته یکی از کارگران کارخانه حریر است. این کارگرن پس از آنکه مدت ها از تسلیم شکا پتشان به بنی صدر که او را اتفاقاً "دروزارت" کار دیده بودند، گذشت و از نتیجه خبری نشد، این جمله را گفته است) دل سرد میشوند. و خود به اقدام انقلابی دست می زنند و در دوران رژیم قبلی رباکارخانه همراه نمی دهند.

خواسته های بزرگ تر از این زمان در اغلب طعنه های کارگران منعکس می شود و حتی در واحدهایی پیگیرانه نیز تعقیب میگردد "لغو قرار داد های اسارت با امیرالیستی" است که توسط پیشروان طبقه کارگر مطرح شد و توده کارگران آنرا جذب کرده بودند.

واحدهای بزرگ تولید، آن جا که پروتولتاریای صنعتی آگاه و پیشرو از مدت ها قبل هستنی یافته و در پروسه طولانی مبارزاتی، اعتقاد توده های کارگر را بخود جلب کرده است، شعار فوق الذکر را علیرغم مخالفت مقامات دولتی با اجرا در می آورد. کارگران شرکت های پیمان کاری فلور (خدمات پالایشگاه) سدک سد پیران (حقاری)، لاوان (تصفیه نفت) و غیره نه تنها لغو قرار دادها و افزایش آنها را میخواهند، بلکه خود بصا دره اموال امیرالیستیها پرداخته و شرکتها را ملی اعلام میکنند.

کارکنان شرکت نفت لاوان در نامه سرگشاده ای که در تاریخ ۱۸ آذر ماه آنرا منتشر کردند خواسته های زیر را اعلام داشتند: ۱- کلیه شرکتهای وابسته نفتی از قبیل لاپکو، پان امریکن، ایمنیوکو، سوفیران، و سایرین بطور کامل ملی گردیده و با شرکت ملی نفت ایران یکی گردند. ۲- کلیه سهام امیرالیستیها در این شرکتها مسا دره گردد. ۳- تصفیه فوری وقایع عنا صرحنا بتکار روزگرم منحل و سوا اکیه های صنعت نفت بخصوص لاپکو.

با کارکنان شرکت حقاری سدک سد پیران پس از مدت ها درگیری بامدنی استاندار خوزستان بر سر قدرت اجرایی شورا در مورد تصفیه و پاکسازی و نیز مسا دره اموال، تا بدان حد پیش میروند که نه تنها راکت را ملی اعلام می نمایند و دولت را وادار به پذیرش ظاهری آن میکنند بلکه در تلگرافی از کارگران بندر بوشهر میخواهند که مانع خروج، بقیه در صفحه ۱۲

## بررسی مختصر جنبش کارگری در دو سال گذشته (۵) کارگران به شیوه انقلابی خواست های خود را بر آورده میسازند (از اشغال سفارت آمریکا بعد)

میشود و همه جا دولت و همسایه اجرای آن تحت فشار قرار میدهد. و چون دولت بنا به ماهیت طبقاتی خود نمی خواهد و نمی تواند با این خواست ها پاسخ دهد، کارگران از طریق شوراهای انقلابی خود یا با تحمیل به شورا های فرمایشی اخراج مزدوران را با اجساد می آورند (اخراج ۲۵ ساواکی از صناعت نفت توسط شورای کارکنان پالایشگاه بادان و خدمات در بیست و پنجم آذرماه از این جمله است). و علاوه در مواردی هم که شورا های کارخانه متشکل از عناصر خرد به روز و از مذهب و قشری است و بعبارت دیگرز بر نفوذ و توریته خرد

بورژوازی راست قرار دارد کارگران ابتدا اخراج مزدوران را از دولت میخواهند و حتی مستقیماً "به دفتر آیت الله خمینی شکایت می برند، ولی پس از مدتی که از مقامات جمهوری اسلامی دلسرد میشوند و متشاهد می کنند که

بویژه کارگران، که پیش از این عملی شدن خواسته های بحقشان را در گرو اقدامات دولت می پنداشتند، به توهیم خود پشت کنند و اقدامی انقلابی در پیش گیرند. از این روی بود که خود مستقیماً "دست بکار شدند.

پیشروان طبقه کارگر که تا این زمان در پروسه ای نسبتاً طولانی (حد اقل چندین ماه بعد از قیام) با کسب اعتماد توده ها و اراکثر هم توده های درست و تحقق آنها یکم و به نپروسی کارگران، با آنها پیوندی نسبتاً عمیق و محکم برقرار کرده بودند در واحدهای تولیدی به افشاء گری و تبلیغ علیه امیرالیستی و سرمایه داران و بستن عمال و کارگران آنها پرداختند و کارگران را جهت رسیدن به خواسته های خود رهبری و هداایت کردند.

از این زمان است که تصفیه و پاکسازی کارخانجات از سر سیردگان رژیم گذشته بصورت فعالی توسط کارگران دنبال

انجام مید به صحنه محاکمه کمپانی عظیم آمریکائی شریک کارخانه تبدیل شد و عملاً "با اعلام عدم پذیرش مدیریت آمریکائی شرکت حتی بقیمت تعطیل کارخانه پایان یافت از این گذشته برای شکستگی توده ها، و حضور فعال آنها در صحنه مبارزات جو نسبتاً "دموکراتیکی بوجود آورد و امکان تبلیغ را برای سازمانهای انقلابی سیاسی و پیشروان طبقه کارگر بمیزان زیادی افزایش داد.

از طرف دیگر "مشروعیت دولت منتخب امام" در پیسی موضع گیریهای دانشجویان پیرو خط امام و افشاگریهای سازمان های سیاسی و حتی مقامات عالی کشوری و از جمله خود آیت الله خمینی، درهم شکست و توده های مردم را بمیزان زیادی نسبت به نقد مقامات جمهوری اسلامی زدود و حقاقتیست افشاء گریهای کمونیستها و سایر نیروهای انقلابی را ثابت کرد. عوامل فوق زمینه مناسبی فراهم آورد تا توده های مردم و

در پی تسخیر سفارت آمریکا، بطور موقت تبلیغ علیه امیرالیستیسم بخصوص امیرالیستیسم امریکا عمده شد و هر چند که این تبلیغات بازار از کانال انحرافی گردانندگان را دیوتلوژیون می گذشت و جابه جاز تناقضات و ناهمگونی ادارات مربوطه حکایت داشت، اما وسیط "احساسات توده های مردم را علیه امریکا برانگیخت. افشاگریهای دانشجویان پیرو خط امام نیز برای شور و هیجان توده های مردم دامن زد و توجه آنها را به میزان قابل توجهی منوجه شد شمنی کرد که هیئتت حاکمه آن وقت کوشیده بود از چشم آنها دور نگه دارد. و علاوه دانشجویان پیرو خط امام با اعلامیه های افشاگری خود در حقیقت بر بسیاری از مواضع انقلابی سازمان مامهرتائید زدند (مثلاً "با بستن امیرانتظام به آمریکا) و این امر بر اعتبار و حیثیت سازمان چریکهای فدائی خلق (که محصول آشتی ناپذیری اش در مبارزه علیه امیرالیستیسم آمریکا و پاک شدن آلودگی آن و نیز شرکت در قیام بود) بمیزان زیادی افزود و شعارهای سازمان ما را بانه شعارهای توده ها تبدیل کرد. بر چنین بستری بود که پیشروان طبقه کارگر توانستند آگاهی توده ها را نسبت به امیرالیستیسم و پاک شدن آلودگی اش و عملکردهای آن بالا ببرند. بعنوان مثال جلسه شورا ایکی از کارخانه های تولید تلویزیون که چندین ساعت هم بطول

کارگران مبارز ایران!  
"شورای انقلاب" لغو قرار دادها و سوا اکیه های وابسته نفتی از قبیل لاپکو، پان امریکن، ایمنیوکو، سوفیران، و سایرین بطور کامل ملی گردیده و با شرکت ملی نفت ایران یکی گردند. ۲- کلیه سهام امیرالیستیها در این شرکتها مسا دره گردد. ۳- تصفیه فوری وقایع عنا صرحنا بتکار روزگرم منحل و سوا اکیه های صنعت نفت بخصوص لاپکو.  
با کارکنان شرکت حقاری سدک سد پیران پس از مدت ها درگیری بامدنی استاندار خوزستان بر سر قدرت اجرایی شورا در مورد تصفیه و پاکسازی و نیز مسا دره اموال، تا بدان حد پیش میروند که نه تنها راکت را ملی اعلام می نمایند و دولت را وادار به پذیرش ظاهری آن میکنند بلکه در تلگرافی از کارگران بندر بوشهر میخواهند که مانع خروج، بقیه در صفحه ۱۲

تعطیل دو روز در هفته نامین کننده رفاه کارگران و لازمه ارتقا آگاهی آنان است

# کارگران آجرماشینی ارومیه برای آزادی نمایندگان خود تلاش میکنند

کارگران کارخانه آجر ماشینی ارومیه که بعد از مطرح کردن خواست های خود، با فحاشی سرپرست کارخانه روبرو شدند، دست به اعتراض زدند.

کارخانه آجر ماشینی ارومیه توسط دولت مصادره شد و در اختیار بنیاد مستضعفین است. بعد از مصادره این کارخانه، درگیری بین کارگران و سرپرستان کارخانه بروز شد بدین ترتیب که کارگران خواستار تشکیل شورایی بودند، ولی بنیاد مستضعفین و سرپرستان با این خواسته برحق کارگران مخالفت میکردند.

روز ششم تیرماه، هنگامی که کارگران برای تأمین خواسته های خود از قبیل، سود و بیمه حق اولاد و دفترچه بیمه سرپرست را جمع می کنند، سرپرست رکیک ترین فحش هارا

نثار آنها می کند، کارگران که از این عمل سرپرست به خشم آمده بودند، دست از کار کشیدند، چند روز بعد، پاسداران کارخانه را محاصره کرده و کارگران را به زور از کارخانه بیرون کردند و دو نفر از آنان را به اسامی سیروس شمی و احمد فلاح، دستگیر کردند. کارگران که ۱۵۰ نفر بودند دست جمعی در برابر شهرداری ارومیه اجتماع کردند و اطلاعیه های با مضمون زیر در پشت میبانی بوس شهرداری نصب نمودند:

توجه بنام خدا توجه  
"امروز ساعت ۲ ظهر بنا به دستور احمد میرزایی مسئول بنیاد، سپاه پاسداران به کارخانه هجوم آورد و تمامی کارگران را از کارخانه اخراج کرد و نفرز نمایندگان کارگران

را که عضو شورای اسلامی کارخانه بود روانه زندان ساختند و ما از دولت جمهوری اسلامی و هیئت نمایندگی امام استمساد می طلبیم"

کارگران آجر ماشینی ارومیه کارگران برای رسیدن به خواست های خویش از روحیه عالی برخوردار بودند و یکپارچه می گفتند تا آخرین قطره خون، از حق خود دفاع می کنیم. با گذشت ۴۸ ساعت از اعتصاب کارگران، وعده و وعیدهایی از سوی مسئولان بجا نیاوردند. کارگران نیز به این امید که به خواستهایشان رسیدگی شود دست از اعتصاب کشیدند، ولی تلاش آنها برای آزادی نمایندگان هنوز بجائی نرسیده است

کارگرانی که در محیط کار خود با مواد شیمیایی و روغن های رنگی و اسیدی سروکار دارند یا در کارگاه های ذوب فلزات کار میکنند، همیشه در معرض بیماری های خطرناکی هستند که چه بسا در طولانی مدت با عث از کارافتادگی آنها بشود. کارگرانی که در چنین محیط هایی کار میکنند باید از بهداشت لازم، محیط کار تمیز و نور کافی برخوردار باشند و هر چند گاه یکبار کار آنها عوض شود، اما کارفرمایان و سرمایه داران که تنها بفرسود خود هستند کمتر با این مسائل توجه میکنند، اعلامیه زیر نمونه گویائی از این نیاز کارگران است.

## کارگران به شیوه ۰۰۰

بقیه از صفحه ۱۱  
ماشین آلات حفاری شرکت سنناستی گردنند  
بایستی اضافه کنیم که نه تنها در آن واحدهای تولیدی که از نظراسترا تزریق دارای اهمیتست بودند و پرولتاریائی پیشرفته صنعتی داشت، چنین حرکتها و اقدامات اجتماعی و فاطمی علیه امپریالیسم صورت گرفت سوابق مبارزاتی کمتری با سطح آگاهی نسبی پائینی در دانشند نیز امر تصفیه و پاکسازی مصادرو ملی کردن بها اجرا آمد.  
بعنوان نمونه می توان از دو کارخانه چیت تری، ۲۴۰۰ کارگر و کاشی سعدی با ۹۰۰ کارگر نام برد.  
کارگران پیشرو کارخانه چیت ری از همان هفته های اول بعد از اشغال سفارت مجدداً و بیگیرانه

در پی صدور بخشنامه قطع هزینه مسکن از سوی دولت، زمزمه های ناراضحانه در میان کارگران فنی و کارکنان قسمتهای دیگر هواپیمائی ملی در گرفت. این زمزمه ها رفت و رفته با صدور اطلاعیه ای از جانب کارکنان قسمت فنی که با غلب رهبری مبارزات صنفی و سیاسی حق طلبانه، کارگران و کارمندان را

کرده و نسبت به آنها دست به فحاشی زد.  
پس از این جریانات، کارمند ان و کارگران در تاریخ دهم تیرماه ۵۹، مصمم تروبا یکپارچگی بیشتر، تجمع می کنند. در این تجمع تعداد شرکت کنندگان نسبت به دفعه قبل به چهار برابر افزایش یافته بود. (در حدود ۲۰۰۰ تن)

## اعتراض کارگران و کارمندان

"هما"

### به قطع هزینه مسکن

عاهده دار بوده اند - شکل اعتراضی به خود گرفتند. در اطلاعیه مزبور از کارگران و کارمندان خواسته شد بود تا در اداره مرکزی جمع شوند و از پایمال شدن حقوق خویش جلوگیری کنند.

بدنبال تجمع کارگران و کارمندان در اداره مرکزی، طبق معمول سردمداران انجمن اسلامی که کارشان اجرائی سیاستهای دولت و برهم زدن حرکات حق طلبانه، کارگران و کارمندان است قصد مقابله و درگیری با کارگران و کارمندان را داشتند که بر خورد هشیارانه و اصولی کارگران و کارمندان مبارز توطئه های آنان را نقش بر آب کرد.

کارگران و کارمندان نمایندگان خود انتخاب کردند و برای مذاکره با معاون مدیر هواپیمائی ملی فرستادند. معاون در برخورد با نمایندگان کارگران و کارمندان، آنها را ضد انقلابی و کمونیست قلمداد

در این جلسه اقدام های توطئه گرانه و ضد کارگری و کارمندی، مدبر عامل و انجمن اسلامی افشا شد، همچنین پیروان کسری حقوق از کارگران ساده که همان هزینه مسکن آنهاست و نابرابری حقوق ها در برخی موارد به ۲۰۰۰ تومان می رسد - مطرح کم کردن از این حقوق های گراف صحبت شد. بدنبال این جلسه جلسهای دیگر در روز شازند هم تشکیل شد و "کمیته هما هنگی اطلاع داد که بعد از مذاکرات مفصل با دفتر رئیس جمهوری، نتیجه ای که گرفته اند این است که از یک اشل حقوقی مشخص به یاتین، شامل بخشنامه قطع هزینه مسکن نشود. و بیشتر شامل کسانی شود که حقوق گراف می گیرند.

کارگران و کارمندان "هما" که هنوز به همه خواسته های خود نرسیده اند به مبارزات حق طلبانه خود ادامه میدهند.

اقدامات کارگران کارخانه کاشی سعدی از جهتی حائز اهمیت فراوان است، چه بسا آنکه سطح آگاهی کارگران این واحد نسبتاً پائین تر از دیگر واحدهای منطقه جنوب تهران بوده است، ولی نمایندگان شورای آنها نیز با مراجعه به شورای انقلاب و پیگیری خواست کارگران دایر بر ملی کردن کارخانه توانسته اند ملی شدن کارخانه را در تاریخ بیست و دوم دی ماه اعلام کنند. پیداست که با پیگیری انقلابی پیشروان جنبش کمونیستی و کارمندان در میان طبقه کارگر، آگاهی طبقاتی کارگران روز به روز ارتقاء خواهد یافت و کارگران آن میهنمان در جهت تشکیل پرولتری و مبارزه طبقاتی بی امان علیه سرمایه داران چپا و لگر و وابسته، قدم های استوار بر خواهند داشت.



مرکز تدبیری در فضای آلوده به سرب کارگاههای باطراسازی

یکسال است که در بیت کارخانه باطراسازی (در کربلای معلی) در نزدیکی کارخانه کاشی سعدی، آلودگی به اندازه ای شده است که در این فضاها باطراسازی انجام میگیرد. این آلودگی به قدری است که در این فضاها باطراسازی انجام میگیرد. این آلودگی به قدری است که در این فضاها باطراسازی انجام میگیرد.

بکمال است که در بیت کارخانه باطراسازی (در کربلای معلی) در نزدیکی کارخانه کاشی سعدی، آلودگی به اندازه ای شده است که در این فضاها باطراسازی انجام میگیرد. این آلودگی به قدری است که در این فضاها باطراسازی انجام میگیرد. این آلودگی به قدری است که در این فضاها باطراسازی انجام میگیرد.

سلاطنت کارگران نمایندگان باید گردد

کارگران پیشرو و باطراسازی نیرو

حجت الاسلام

هاشمی رفسنجانی

دشمن

کمونیستهای و...

بقیه از صفحه ۱  
را در بر میگیرد و چون به تکامل جهان معتقدند و این مطالب خلاف "اسلام" است پس مبارزه آنها و عملشان بی ارزش و مثل "خاکستری" است که باد آنها را میپراکند. بنظر آقای رفسنجانی کمونیستها بی ارزش است و حتی در زمره شهدا بحساب نمیآیند زیرا هنگامی که دنبال گرفتن یک حادثه اعلام کردند که یکی از آنها "شهید شد" بلافاصله گفت "بیخشد، کشته شد!". آقای رفسنجانی ضمن تعریف حقایق پرداخته و کوشید با عوام فریبی، بیخود و ناموفق که مجاهدین خلق توسط فدائی شهید "غیاس مفتاحی" یکی از مقاوم ترین مبارزین لورفته اند و این دروغ آنقدر آشکار است که برای هیچکس جای شکی در غرض ورزی ایشان باقی نماند. البته از ایشان که عمل کمونیستها را بی ارزش مینامد، عمل انقلابی صدها هزار کمونیست شهید علیه فاشیسم را در جنگ جهانی دوم بی ارزش می نامد، عمل انقلابی هزاران کمونیست ویتنامی، و... علیه امپریالیسم آمریکا را بی ارزش مینامد، که عمل انقلابی هزاران کمونیست آسیا، آمریکا، لاتین و آفریقا علیه استعمارگران را بی ارزش می نامد. نمیتوان انتظار داشت که از عمل انقلابی کمونیستهای ایران ستایش و یا حتی در مورد آنان بیطرف باشد، چه بنظر ایشان کمونیستها دشمن هستند و حتی "نجس". آقای رفسنجانی

# صدها میلیون دلار خرید جمهوری اسلامی از امپریالیسم

در حالی که مدتهاست هیئت حاکمه تبلیغات وسیعی بمنظور "فدا امپریالیست" علوه دادن خود براه انداخته است! واقعیات موجود و اقدامات روزمره آن نشان میدهد که نه تنها گامی عملی وجدی در جهت قطع وابستگی هاسر نداشته بلکه بیش از پیش در پی تقویت پیوند های خود با امپریالیسم است. یک نمونه تقویت پیوند با امپریالیسم انگلیس است. "هفته نامه اخبار اقتصاد" خاورمیانه در این باره مینویسد: "کشتی های باربری انگلیسی دائما کالاهای بازرگانی را بمقصد ایران حمل میکنند. همچنین صادرات انگلیس به ایران در پنج ماه اول سال ۱۹۸۰ به چهار صد میلیون دلار رسید و نسبت بمدت مشابه سال ۱۹۷۹ دوبرابر شد. این هفته نامه اقتصاد بدنبال اعلام این خبر که شرکت "اف. جی. ها موندایت ترینسال" در صورت وضع محدودیت های جدید بازرگانی با ایران، طرح های اضطراری برای حمل کالاهای

اروپا با ایران در نظر گرفته است. اضافه میکند "بر اساس آمار رسمی بندر" دویی " صادرات کالای ایران در آوریل ۱۹۸۰ به ۲۹/۶ میلیون دلار فزونی یافت... همچنین صادرات مجدد کالا از کویت به ایران روبه افزایش است. این خبرنامه خاطرنشان میسازد که "صادرات واقعی از این بندر به ایران بشمارا ترین وجهی ما هیت واقعیات مذکور به آشکارا ترین وجهی ما هیت باصلاح تحریم اقتصادی و قطع روابطی راکه گروهی نظیر فرصت طلبان "کمیته مرکزی آنرا پیروزی بزرگ" نامیده و نشانه فدا امپریالیست بودن هیئت حاکمه قلمداد کردند، نشان میدهد اکنون از فرصت طلبان "کمیته مرکزی" باید پرسید که پیروزی بزرگ "از نظر شما چه مفهومی دارد؟ آیا مفهوم "مبارزه ضد امپریالیستی خرده بورژوازی" همین است؟ این دیگر دنباله روی نیست، این چشم بستن برو واقعیات، مهرسکوت بر لب زدن و خلی صریح بگوئیم فریب و خیانت به توده هاست.

## نوبری

### سرمایه به معنی "خوب" آری! به معنی "بد" نه!

علیرضا نوبری رئیس کل بانک مرکزی ایران در سمینار مدیران عامل بانکهای استان که در تاریخ چهارشنبه ۱۱ تیر ماه ۵۹ در بانک مرکزی گشایش یافت، از جمله مسائلی که عنوان کرد مسئله امنیت سرمایهها بود. او به شیوه ای عوام فریبانه سرمایه را به "خوب" و "بد" تقسیم کرد و سرمایه های "خوب" را شامل امنیت دانست. در حالی که سرمایه های "بد" را شامل امنیت، مستثنی نمود. عین گفته های ایشان را از روزنامه جمهوری اسلامی پنجشنبه ۱۲ تیر ماه ۵۹ نقل می کنیم:

تلاش خود طی سالیان زیادی بدست آورده اند. این نوع سرمایه مغایر با اصل مالکیت مشروع اسلامی که هر انسانی بطور مستمر بر حاصل کار خویش تملک دارد، نیست و لذا امنیت لازم برای این قبیل سرمایهها باید حفظ شود. البته در اینکه جمهوری اسلامی باید آب تطهیر بر سر سرمایه بریزد و امنیت آنرا تامین کند، حرفی نیست و تعجبی هم ندارد. بحث ما بر سر شیوه های استدلال عوام فریبانه و تقسیم سرمایه به "خوب" و "بد" است. هر کارگر زحمتکش تنها به تکاء تجربه روزمره زندگی و واقعیات موجود به سادگی درمی یابد که این تقسیم بندی یک عوام فریبی آشکار است. برخلاف اظهارات آقای نوبری، هر کارگری می گوید که: سرمایه آن چیز است که تاکنون وجود داشته است که عده ای بطور نامشروع حاصل دسترنج مردم زحمتکش را جمع کرده اند، سرمایه بمعنی خوب، آن است که انشاء الله... در آینده وجود دارد. در واقع خود آن دسترنج مردم زحمتکش است که افراد با

"نامشروع" هدفی جز فریب کارگران تعقیب نمی کند. آخر، در جمهوری اسلامی هم، مانند هر رژیم سرمایه داری دیگر باید به فریب کارگران متوسل شد و امنیت سرمایه را حفظ کرد، اما از آنجائیکه باید به سطح رشد مبارزاتی کارگران و آگاهی آنها توجه داشت و نمی توان همانند گذشته همان شیوه ها، از سرمایه و امنیت آن دفاع نمود پس نمایندگان طبقه سرمایه دار و دولت حامی آنها، پای سرمایه مشروع را در جمهوری اسلامی پیش می کشند. از همین روست که آنها مطرح می کنند در گذشته سرمایه "نامشروع" و "بد" بود، اما امروز به یمن و میمنت استقرار جمهوری اسلامی سرمایه "مشروع" و "خوب" شده است. بنابراین امنیت آن نیز باید تامین بشود. آقای نوبری و امثال او در جمهوری اسلامی باید بدانند که از نظر کارگران سرمایه "خوب" و "بد" ندارد و کارگران سرمایه داران نسبت بهم دشمنان آشتی ناپذیرند.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

# سازمانهای دموکراتیک توده‌یی (۳)

## بیطرفی؟!!

های توده‌یی هم‌نظر که گفتیم بمعنای آن است که این سازمان‌ها نباید نسبت به مبارزه‌یی که در جامعه جریان دارد بیطرف باشند. سازمانهای سیاسی بایستی داشتن موضع طبقاتی (طبقات انقلابی) را در سازمان توده‌یی تبلیغ و ترویج کنند و بکوشند آن را از طریق "هسته‌های سرخ" خود در درون این سازمان‌ها توده‌یی را همان هسته سرخ خود بدانند.

مطلب را بیشتر بشکافیم: هسته سرخ واحد سول سازمان سیاسی است. واحدی متشکل از انقلابیون است که در هر کجا که توده‌هایی مردم زندگی و مبارزه‌یی کنند (در کارخانه، در مزرعه، در روستا، در محل، در دانشگاه، در مدرسه و غیره) حضور دارد و وظیفه اش عملی کردن و با اجرا آوردن و پیاده کردن سیاستها و برنامه‌های سازمان سیاسی مربوطه می‌باشد. این هسته حدود و مشخصی دارد، محدود است (بر خلاف سازمان توده‌یی که محدودیت آن تا مرز تمام قشر یا طبقه مربوطه هم می‌رسد) و افراد تشکیل دهنده آن دارای عقیده واحدی هستند و برای مستحکم کردن این وحدت مبارزه‌یی کنند و درستی نظریات خود را در عمل می‌سنجند.

این هسته می‌تواند با تقسیم کار (علنی کار، مخفی کار) وظیفه خود را که پیاده کردن سیاست سازمان سیاسی مربوطه اش است، با اجرا در آورد. می‌کوشد سازمان توده‌یی را از طریق ارائه سیاستهای درست رهبری کند. می‌کوشد سیاست سازمان سیاسی اشرافه سیاست سازمان توده‌یی تبدیل کند و بعبارت دیگر توده‌های متشکل شده در آن سازمان توده‌یی سیاست او را بپذیرد و آن را از آن خود بدانند و بدین ترتیب عملاً سازمان توده‌یی را در جهت اجرا پیاده کردن سیاست سوق دهد که علیه طبقات حاکمه مبارزه کنند و بیطرف نمانند.

اینکه یک سازمان توده‌یی مثل سازمان کارگران نباید بیطرف باشد، بلکه باید در مبارزه طبقاتی جاری جانب نیروهای انقلابی را بگیرد، موضوع تازه‌یی نیست. مدت‌ها قبل جنبش جهانی کارگری بمسئله طرفداری اینگونه سازمانها از یک سازمان سیاسی کارگران پاسخ داده است. مسئله در سالها قبل تا بدان حد روشن بوده است که لنین در سال ۱۹۰۸ نوشت: "غیر محتمل است که اکنون در بین احزاب کارگری مسئله بیطرفی موجب بحث جدی گردد.

مادرشماره‌های قبل تا حدودی در مورد لزوم "داخلی کردن اختلافات سیاسی" بدرون این سازمانها صحبت کردیم. حال باید باین مسئله بپردازیم که چگونه میتوان چنین کرد و بدرستی سیاستهای یک سازمان انقلابی و سیاسی را بدرون یک سازمان انقلابی و توده‌یی برد. ابتدا باید باین نکته اشاره کرد که سالها خفقان آریامهری و شرایط سخت و فضای بسیار محدود مبارزه عملی امر سازماندهی توده‌یی را بسیار سخت و مشکل کرده بود و بهمان نسبت مبارزینی که در کدرستی از سازمانهای انقلابی توده‌یی داشته باشند، بسیار کم پرورش یافته‌اند.

این امر موجب آن شده است پس از قیام که امکان وسیع فعالیت علنی فراهم آمد، گروه‌ها و سازمانهای سیاسی همان درک محدود و محفلی خود را بسازمانهای توده‌یی نیز منتقل کنند و عملاً توده‌ها را متحد توده‌های هوادار خود محدود سازند و کار غلط و غیر اصولی خود را چنین توجیه کنند که چون جامعه سیاسی است پس هر تشکلی لزوماً سیاسی میشود و هر تشکلی سیاسی لزوماً باید سیاست یک سازمان سیاسی مشخص را دنبال کند و با اصلاً موجودیتش مورد سوال قرار گیرد و بعبارت دیگر نباشد. این نظر می‌گفت: یا من یاد بگیر هیچ! و اقیقت اوج فرفه‌گرایی بود، اما حقیقت آن است که عقیده بیطرفی تشکل

نفت تحت پوشش انقلابی "پاکسازی دارا" پیش از آنکه عوامل مزدور امپریالیسم و وابستگان به رژیم گذشته را هدف حملات خود قرار داده باشد کارگران و کارمندان انقلابی و شوراهای واتی آنان را آماج آنها جم‌همه جانبه قرار داده است و تعدادی از عناصر انقلابی را که پیشینه مبارزاتی آنان شهره همگان است مشمول این پاکسازی قرار میدهد.

"ما شدیداً این عمل کمیسیون با اصطلاح‌های را محکوم کرده‌ایم. کار که ظرف مدت ۱۵ روز از اول مرداد ماه با حضور خود در مجمع عمومی کارکنان در جزیره لوان - دلایل درج در آراشه داده تا تصمیمات نهائی توسط مجمع عمومی کارکنان اتخاذ گردد، در غیر این صورت پس از اتمام مهلتیاد شده ضمن انجام کار دست به اعتصاب غذا و تصمیم گیری‌های بعدی بر اساس رسیدگی یا عدم رسیدگی مسوولین را حق قانونی خود دانسته و مسوولیت عواقب آن بعهده مقامات مسوول میباشد. در ادامه اعلام میداریم نمایندگان شورای کارکنان تنها نمایندگان مورد تأیید ما کارکنان میباشد."

بقیه از صفحه ۱۶

میزند! باید پرسید برآستی مبارزه ضد امپریالیستی یعنی این؟! سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با انتشار اسنادی که واقعیت سیاست‌های هیئت حاکمه را نشان میدهد، اطمینان دارد که در آینده‌ای که چندان دور، اعتماد نا آگاهانه توده‌ها به جمهوری اسلامی سلب خواهد شد. آن‌ها دیگر با هشاری بمسائل نمی‌نگرند و دیگر نگفته‌اند این و آن دل نمی‌بندند و بیش از پیش بآنچه عمل میشود توجه خواهند داشت و بر آن مبنایه قضاوت مینشینند. همچنان که امروز این هشیااری - آغاز گشته است.

با اعتقاد ما افشای این واقعیت‌ها همچنین باید برای آن دسته از روشنفکران انقلابی که با سطحی نگری خویش، توهمات

# تنها کمیته مورد تأیید شورای کارکنان میتواند تصفیه و پاکسازی را بانجام رساند

آن بیدها نمی‌توانند که با این بادها بلرزند و تن به هرگونه فشار و زور و تحمیل نظریات و اجرای سیاست‌های ضد انقلابی شورای انقلاب دولت یا وزارت خانه‌ها بدهند.

اقدام بموقع وقایع کارکنان صنعت نفت تهران و بالاخص بخش پخش از جمله نمونه‌های غرور آفرین مبارز کارکنان علیه این سیاست‌های غدا انقلابی است.

کارکنان شرکت نفت لوان نیز با پخش نامه‌ای (که قسمت‌هایی از آن در زیر می‌آید) موضع قاطع خود را در حمایت از نمایندگان شورای شرکت و نیز کارگران و کارمندان انقلابی نشان داده‌اند: "ما طی ۱۷ ماه گذشته مکرراً از مسوولین امر خواستار اقدام قاطع و انقلابی جهت ملی کردن شرکت‌های نفتی وابسته ما دره اموال امپریالیسم آمریکا و بخصوص معوضات مزدور رژیم جنایتکار شاه، این جرثومه‌های فساد بوده ایم ولی متأسفانه کمیسیون پاکسازی وزارت

ما بارها بارها گفته‌ایم که دولت سرمایه داران نمیتوانند سیاستی خلاف منافع طبقاتی خود با اجرا درآورد و بارها و بارها تاکید گفته ایم که سیاست تصفیه و پاکسازی "از این جمله است. شورای انقلاب قواستثنائی را بتصویب رسانده است که در ظاهر بمنظور تصفیه سرسپردگان رژیم سابق است اما در واقع هدفی جز تصفیه انقلابیون ندارد.

بعلاوه چنان سازمانها و نهادها می‌خواهند (۱) مجریین قوانین را آموزش داده و توجیه کرده است که هدف عمده تصفیه، انقلابیون خواهند بود. نمونه‌های با اجرا درآمده این قوانین آنقدر متعدد و فراوان است که هر بیننده استعدک کنجکاو را به حیرت دچار میکند: وزارت آب و برق وزارت نفت وزارت آموزش و پرورش و سایر صنایع و معادن، منابع دفاعی، کارخانه ساکاو... اما کارکنان دارا و کارکنان نیز که تجربه قیام شکوهمند بیستم ماه راپشت سرگذاشته‌اند از

## ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون

تمام حقوق و درآمدها خود را طی ۳۰ سال از قسراً روزی ۱۰۰ تومان حساب کند، تازه میشود یک بیست هزارم این مبلغ یعنی پولی را که طی سه ماه جمهوری اسلامی به جیب امپریالیستها، فقط بابت وام و بهره سرازیر کرده برابر با ۳۰ سال حقوق ۲۰ هزار زحمتکشی است که در طول تمام عمر روزی ۱۰۰۰ ریال دستمزد بگیرند!

بعبارتی دیگر با این پول میتوان به ۱۳۰۰/۰۰۰ بیکار طی یکسال، ماهیانه ۱۵۰۰۰ ریال بلاعوض برای زندگی پرداخت کرد.

جمهوری اسلامی در حالی که در اساس همانند بسیاری از رژیم‌های وابسته با اقتصاد امپریالیستی، از سیستم اقتصادی امپریالیسم جهانی پاسداری میکند دم از مبارزه ضد امپریالیستی و خصومت با امپریالیستها

هیئت حاکمه پی ببرند در سند ذیل همانطور که ملاحظه میکنید مبلغ به هزار ریال نوشته شده یعنی برای بهره و کار مزد دهنده‌های مربوط به وامهای خارجی و تعهدات ۲۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال برای بازپرداخت وام های خارجی و تعهدات ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ برای سرمایه گذاری در خارج از کشور، پرداخت وام و کمک به کشورهای موسسات خارجی و بین المللی ۲/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال.

برآستی که این ارقام سرسام آور برای بسیاری از مردم ما قابل محاسبه و سنجش نیست. مثلاً برای کارگری و زحمتکشی که حداکثر روزی ۵۰۰ الی ۶۰۰ تومان درآمدها و هرگز پول کلان ندیده چگونه مبلغ دو میلیارد تومان قابل تصور است؟! او اگر



تسلیم طلبانه توده‌های ما و کمیته مرکزی را باور کرده‌اند، آنگاه گرانه و روشنگر باشد.

نگری خویش، توهمات

و خصومت با امپریالیستها

او اگر



### تحصن بازماندگان شهدای فاجعه سینما رکس آبادان بعد از حدود چهار ماه توسط پاسداران و عناصر معلوم الحال درهم شکست

## چرا هیئت حاکمه مانع افشای اسرار فاجعه سینما رکس است؟



خانواده‌های شهدای سینما رکس در محضر خود در فرمندی خواهان تشکیل دادگاه علنی

در بی همن فریب‌ها و بی اعتنائی‌های مسئولان جمهوری اسلامی بود که بازماندگان قربانیان ارتش سوزی سینما رکس پس از تلاش‌های بسیار و مطالبات ماندن این تلاش‌ها، از تاریخ بیست و نهم فروردین ۵۹ در آرزوهای آسودن متحصن شدند. خواسته‌های بازماندگان، عبارت بود از:

- ۱ - اعزام بازرس ویژه برای رسیدگی به پرونده فاجعه سینما رکس و تشکیل هر چه سریعتر دادگاه علنی.
- ۲ - اعلام خواسته‌های بازماندگان از آرزوهای سراسری.
- ۳ - طرح خواسته‌های بازماندگان فاجعه سینما رکس در حضور بازرس ویژه پوختن از طریق راد یو و تلویزیون سراسری.

هر کس بدنبال عجز می‌گردد... قدرتمندان بی‌بهد می‌پندارند که با سکوت و ممانعت خود در قبال این فاجعه می‌توانند این صحنه‌ها را از خاطر ما ببردند.

بسیاری از ما علان و دست اندرکاران فاجعه دم سوزی سینما رکس که بعد از قیام دستگیر شده بودند، با کمک روحانیون یا عناصر مومنین جمهوری اسلامی آزاد شدند.

در آستانه دومین سالگرد فاجعه سینما رکس آبادان قرار داریم. دو سوال از ارتش سوزی یا بهتر بگوییم، آدم سوزی سینما رکس و ما هم می‌گردد اما هنوز اسرار این فاجعه ننگ دهنده که خود یکی از عوامل رسوائی رژیم پهلوی و پراکنجی رانند نمودها بود، فاش نشده و هیئت حاکمه با تلاش بسیار مانع روشن شدن زوایای فاجعه‌ای فاجعه و هفتصد انسان را قربانی کرد. رژیم سفاک پهلوی با ایجاد این فاجعه کوشید تا در راه فریب بدهد و آنرا بگردن مبارزان بیندازد اما فاجعه شور و روسوا و تونکان دهنده تر از آن بود که محلی برای عوام فریبی‌های ساواک باقی گذارد. بعد از قیام بهمین مساه مردم ایران و بی‌وزیه بازماندگان قربانیان این فاجعه میسود و بر سرعت عوامل و مسببین سوزاندن عزیزانشان امر فری محاکمه و مجازات کند. اما... بازماندگان داغدار قربانیان این فاجعه عظیم همواره بکینو خشمی عمیق و تلاش پیگیر خواهان شناسائی و محاکمه و مجازات طراحان و مجریان این آدم سوزی بوده‌اند اما هیئت حاکمه تنها تاکنون عاملان و مجریان این فاجعه کم نظیر تاریخ را افشا و محاکمه نکرده است بلکه آنجا که توانستند، باشیوه‌های مختلف زور و تهدید و فریب و تیرک، بر روی این جنایت سربوش گذاشته است تا جایی که تحصن تقریباً چهار ماهه خانواده‌های شهدای این فاجعه را هم، در همین هفته ضرب جوب و چماق و سنگ برهم زد. دست اندرکاران جمهوری اسلامی بر هم زد تحصن خانواده‌های شهدا و قربانیان رژیم سابق را که خواهان مجازات مجربانکاران هستند چگونه تغییر میکنند؟ آیا اینها هم "صد انقلاب" و عوامل بیگانه‌اند؟ و آیا واقعا آن دسته عناصر مزدور و معلوم الحال را و باوش چماق بدستی که با این خانواده‌ها حمله کرده‌اند "مردم" هستند؟ اکنون مردم ایران حق دارند بپرسند چرا مسئولین جمهوری اسلامی، دو سوال بعد از فاجعه و ۱۸۰ بعد از پیروزی قیام از افشا و محاکمه عوامل و مجریان این فاجعه وحشت دارند؟ آیا جز این است که با سکوت و ممانعت از افشای این فاجعه، مهر تأیید بر آن می‌زنند؟



شهریاتی و سرپرست شهریاتی در روز فاجعه، برای مردم پخش شد این نوار تماشا با نگر، سر سپردگی نامبرده به رژیم سفاک پهلوی است. سرهنگ امینی که بعد از قیام دستگیر شد به خود توسط یک روحانی بنام هاشمی، فراری داده شد. این روحانی بعد از فراری دادن سرهنگ امینی در اعتراض به یک کسی از بازماندگان میگفت: من تشخیم دادم که سرهنگ امینی بی‌گناه است و آزادش کردم. همچنین بازماندگان متحصن پیرامون حسین تکلیبی زاده، همان شخصی که از مجرای اصلی فاجعه است و با آیت الله طاهری و صباغیان در تماس بوده و اکنون در زندان بسر میبرد هشدار داده‌اند. خانواده‌های شهدا می‌گویند حسین تکلیبی زاده بنا بر اعتراف صریح خود با تاقی سه نفر عامل اجرای حادثه بوده‌اند ما با ما بصورت یک فرد نگاه نمیکنیم، او مانند یک جریان است که باید افشا و شناخته شود اما هیئت حاکمه نمیخواهد او را محاکمه علنی کند چرا که با محاکمه علنی کاران بقدرت خرید امروز باز میشود. بهمین دلیل هم هست که مدتهاست او را در سلول انفرادی نگاه داشته‌اند که با هیچکس حرف نزند. بازماندگان شهدای فاجعه سینما رکس آبادان در اطلاعیه شماره ۹ خود خطاب به مردم آبادان و تمام مردم اصفهان، هاشم صباغیان و فرماندار آبادان در ارتسباط بوده‌اند.

رستاخیز آبادان بود و بعد از قیام، دادستان انقلاب اسلامی کرج شده بود بسیاری از سربازان محلی و روحانی از جمله آقای کریمی که کتب فاجعه رکس را تیساررزی در تلویزیون ظاهر شد و سعی در تطهیر گفته‌های رژیم داشت. بنا بر افشای‌های بازماندگان شهدای سینما رکس این اشخاص از مجرای اصلی بوده‌اند که بر اساس اسناد منتشر شده در آبادان با آیت الله طاهری در اصفهان، هاشم صباغیان و فرماندار آبادان در ارتسباط بوده‌اند.

شخص دیگری که خانواده‌های شهدا او را افشا کرده و خواستار محاکمه‌اش شده‌اند، حاجی خرمی بازاری معروف آبادان است که نوار مگانه تلفنی او با سرهنگ امینی معاون رئیس

تلاکم با آیت الله خمینی زدند، یک نامه به رسانه‌های گروهی، یک نامه به استاد علی شهرانی و یک جوابیه در پاسخ تلگرام استاد علی به آنها، نوشتند و بخش کردند. یک تلگراف برای رئیس جمهوری مخابره کردند، یک هیئت نمایندگی بیست و پنج نفری نزد امام خمینی فرستادند تا معاول تلگراف‌های بسیار برای شورای انقلاب، دادگاههای انقلاب و همه مراجع و نهاد‌های دیگر فرستادند. سرانجام رژیم مجبور شد محاکمه‌ای بره‌پندارد محاکمه‌ای که در آن کمتر نامی از دست اندرکاران واقعی فاجعه دیده میشود. مردم آبادان خود بسیاری از کسانی را که در این آدم سوزی شرکت داشتند افشا کردند. نام آنها را در لیست منتشره از طرف دادستان انقلاب آبادان مشاهده نمیکنند.

در عوض نام چند ساواکسی ساخته شده فراری در لیست میخوانند و این بر خشم و کینه آنها میفزاید. بازماندگان شهدای فاجعه سینما رکس در اطلاعیه شماره ۵ خود اسامی و مشخصات بسیاری از کسانی را که در این فاجعه دست داشتند ذکر کرده‌اند. ۲۱ نفر - اکثر آنها بعد از قیام دستگیر شدند اما با کمک روحانیون یا عناصر مومنین جمهوری اسلامی آزاد شدند و در زمان نغرشان هم انقلابی شده‌اند و در جمهوری اسلامی مصدر اقدامات هستند مثل سرگرد خنیفر که در شب فاجعه کنترل اطراف سینما را بعهده داشت و در زمان نوشتن اعلامیه شوم اردیبهشت ۵۹ در شهریاتی کرج مشغول کار بوده، عبدالعزیز که کوه تلعفی او با سرهنگ امینی معاون رئیس

# استقلال - کار - مسکن - آزادی

جمهوری اسلامی

۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان  
بابت بهره‌وکارمزد و وام به  
امپریالیست‌ها پرداخته است

جمهوری اسلامی ایران

سازمان برنامه و بودجه  
دقتر وزیر

وزارت امور اقتصادی و دارایی  
اداره کل باطراحت بر اجرای بودجه

تهران

به استناد قانون بودجه سال ۱۳۵۸ تخصیص اعتبار به ماهه اول ردیفهای ذیل جمعاً به مبلغ  
نوزده میلیارد و پانصد میلیون (۱۹۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال اعلام میگردد.

شماره ردیف: ۶۰۱۰۱۲

بهره و کارمزد هزینه های مربوط به وامهای

خارجی و تسهیلات

بازپرداخت وامهای خارجی و تسهیلات

بر پایه کناری در خارج از کشور، پرداخت

وام و کمک به کشور و دستورات خارجی و بین‌المللی

بهره و کارمزد هزینه های مربوط به وامهای خارجی و تسهیلات

بازپرداخت وامهای خارجی و تسهیلات بر پایه کناری در خارج از کشور، پرداخت

وام و کمک به کشور و دستورات خارجی و بین‌المللی

بهره و کارمزد هزینه های مربوط به وامهای خارجی و تسهیلات

بازپرداخت وامهای خارجی و تسهیلات بر پایه کناری در خارج از کشور، پرداخت

وام و کمک به کشور و دستورات خارجی و بین‌المللی

بهره و کارمزد هزینه های مربوط به وامهای خارجی و تسهیلات

بازپرداخت وامهای خارجی و تسهیلات بر پایه کناری در خارج از کشور، پرداخت

وام و کمک به کشور و دستورات خارجی و بین‌المللی

بهره و کارمزد هزینه های مربوط به وامهای خارجی و تسهیلات

بازپرداخت وامهای خارجی و تسهیلات بر پایه کناری در خارج از کشور، پرداخت

وام و کمک به کشور و دستورات خارجی و بین‌المللی

بهره و کارمزد هزینه های مربوط به وامهای خارجی و تسهیلات

بازپرداخت وامهای خارجی و تسهیلات بر پایه کناری در خارج از کشور، پرداخت

وام و کمک به کشور و دستورات خارجی و بین‌المللی

بهره و کارمزد هزینه های مربوط به وامهای خارجی و تسهیلات

بازپرداخت وامهای خارجی و تسهیلات بر پایه کناری در خارج از کشور، پرداخت

وام و کمک به کشور و دستورات خارجی و بین‌المللی

بهره و کارمزد هزینه های مربوط به وامهای خارجی و تسهیلات

بازپرداخت وامهای خارجی و تسهیلات بر پایه کناری در خارج از کشور، پرداخت

وام و کمک به کشور و دستورات خارجی و بین‌المللی

بهره و کارمزد هزینه های مربوط به وامهای خارجی و تسهیلات

بازپرداخت وامهای خارجی و تسهیلات بر پایه کناری در خارج از کشور، پرداخت

وام و کمک به کشور و دستورات خارجی و بین‌المللی

بهره و کارمزد هزینه های مربوط به وامهای خارجی و تسهیلات

بازپرداخت وامهای خارجی و تسهیلات بر پایه کناری در خارج از کشور، پرداخت

وام و کمک به کشور و دستورات خارجی و بین‌المللی

بهره و کارمزد هزینه های مربوط به وامهای خارجی و تسهیلات

بازپرداخت وامهای خارجی و تسهیلات بر پایه کناری در خارج از کشور، پرداخت

وام و کمک به کشور و دستورات خارجی و بین‌المللی

بهره و کارمزد هزینه های مربوط به وامهای خارجی و تسهیلات

بازپرداخت وامهای خارجی و تسهیلات بر پایه کناری در خارج از کشور، پرداخت

وام و کمک به کشور و دستورات خارجی و بین‌المللی

بهره و کارمزد هزینه های مربوط به وامهای خارجی و تسهیلات

بازپرداخت وامهای خارجی و تسهیلات بر پایه کناری در خارج از کشور، پرداخت

وام و کمک به کشور و دستورات خارجی و بین‌المللی

بهره و کارمزد هزینه های مربوط به وامهای خارجی و تسهیلات

بازپرداخت وامهای خارجی و تسهیلات بر پایه کناری در خارج از کشور، پرداخت

وام و کمک به کشور و دستورات خارجی و بین‌المللی

بهره و کارمزد هزینه های مربوط به وامهای خارجی و تسهیلات

بازپرداخت وامهای خارجی و تسهیلات بر پایه کناری در خارج از کشور، پرداخت

وام و کمک به کشور و دستورات خارجی و بین‌المللی

تنهاد راه‌های فروردین  
وا ردیبهشت و خرداد، امسال  
جمهوری اسلامی قریب به  
۲ میلیارد تومان از بیت  
العالم را بحسب امپریالیست‌ها  
سرازی بر کرده است!  
برای آنکه جانی هیچ  
گونه دخل و تصرفی در-  
آما روا رقاب مربوطه  
نیسا شده، عین سند  
سازمان بر نامه و بودجه  
را کلیشه میکنیم تا  
هموطنان عزیز بیشتر از  
"مناسبات جمهوری اسلامی"  
با امپریالیست‌ها! وهم  
چنین از واقعیت "ملی  
شدن" ها ننی که دائم از  
آن دم میزنند با خیر  
شوندوبه عمق و ژرفای  
" مبارزه ضد امپریالیستی  
بقیه در صفحه ۱۴

یکی دیگر از فرزندان انقلابی  
خلق به جوخه اعدام  
سپرده شد

هر روز که میگذرد نبرد  
روش‌های ضد انقلابی هیئت  
حاکمه علیه نیروهای انقلابی  
افزوده میشود. در روزهای  
اخیر شا هدا اعدام‌های  
نیروهای انقلابی در رشت  
کردستان، خوزستان و...  
بوده ایم.

در سرگاه اول مرداد  
نیز محمدرسول عزیز یان  
که زندگی خود را در خدمت  
زحمتکشان و آگاه کردن  
توده‌ها قرا داده بود، به  
حکم دادگاه باصطلاح  
انقلاب اسلامی کرمان نیز  
باران شد.

محمدرسول عزیز یان  
در سال ۱۳۲۸ در مرحله  
" چهار سرا ای رشت در  
خا نوا ده ای متوسط متولد  
شد. در سال ۱۳۵۲ وارد  
دانشکده ادبیات دانشگاه  
تهران شد. او بیگیرانه  
در مبارزات دانشجویی  
علیه رژیم شاه شرکت  
کرد و با اعتدالی جنبش  
توده‌ای، فعالانه در مبارزات  
مردم حضور داشت و سپس  
در روزهای پرشکوه قیام  
خلق در تسخیر با دگا نها  
شرکت کرد.

رفیق محمد رسول  
عزیز یان بعد از قیام در  
شهرستان سیرجان به معلمی  
پرداخت و در آنجا با شور  
و شوق انقلابی در امر  
بیداری و آگاهی توده‌ها  
کوشید ولی فعالیت‌های آگاه  
گرانه او از چشم ارتجاع  
فرامرز حمید، محمد  
رسول عزیز یان و... را  
محکوم میکنیم و این  
اقدامات را که از ماهیت  
هیئت حاکمه ناشی میشود  
خدمت به امپریالیسم  
میدانیم.

کمیته مرکزی

جبهه ملی، حزب ملت ایران، حزب توده و  
حزب رنجبران را ضد امپریالیست و ترقی خواه میدانند

کیرمان لنین را که می‌گفت  
" مبارزه با امپریالیسم جدا از  
مبارزه با ریز پیوتیسم نیست"  
فراموش خواهد کرد و بناگزی  
رفر میستشارا ضد امپریالیست  
ترقی خواه قلمداد می‌نماید!  
از این گذشته "کمیته مرکزی"  
باز هم گپی سری و آشفته فکری  
خود را به نمایش گذاشته و  
تناقضات عجیبی را بدنبال هم  
ردیف کرده است. پرسیدنی  
است که چرا هادی غفاری ضد  
امپریالیست؟! به حزب  
توده ضد امپریالیست؟! آسه  
جهانی های ضمیمه  
امپریالیست؟! و "لیبرالهای"  
ضد امپریالیست؟! حملله  
می‌کند؟

موضع گیر بیهای به غایت  
انحرافی و ضد مارکسیستی اخیر  
"کمیته مرکزی" هشدار جدی  
است بدان دستهای خود را در آن  
تاکون به علل مختلف قادر  
نگردد پده اند به ماهیت  
سازشگران نور فرمیستی سیاست  
های "کمیته مرکزی" فکر کنند و  
با آن برخوردی قاطع و انقلابی  
داشته باشند.

"حزب رنجبران" و "حزب  
ملت ایران" حمله کرده و آنها را  
اشغال نموده اند "کمیته مرکزی"  
اولاً باید به جنبش پیاسخ دهد بر  
چهار اساسی، این سازمانها را ضد  
امپریالیست و ترقی خواه معرفی  
می‌نماید! آیا خیانت احزاب  
و سازمانهای مذکور به جنبش  
و توده های مردم مسلم و محرز  
نیست؟ ثانیاً "چشده کبسه  
یکبار حزب خائن توده ضد  
امپریالیست و ترقی خواه  
معرفی شد! این نحوه ی برخورد  
صحت گفتار ما را تأیید نمی‌کند که  
گفتیم شما گام به گام در منجلاب  
اپورتونیسم سقوط کرده و به راه  
ارتداد گام می‌نهیید؟! آیا حزب  
توده که یک جریبان  
اپورتونیستی و رفرمیستی است  
میتواند ضد امپریالیست و ترقی  
خواه باشد؟! آری! بهممان  
اندازه ضد امپریالیست و ترقی  
خواه است که جبهه ملی، حزب  
ملت ایران و حزب رنجبران!  
و شاید هم کمی بیشتر!  
کسی که از مارکسیسم لنینیسم  
روی برتا بد و به راه ارتداد گام  
گذارد، این گفته آموزگار

"کمیته مرکزی"  
در شماره ۶۸ ارگان سراسری خود  
از حمله جما قدران به دفتر  
احزاب سیاسی انتقاد بعمل  
آورد و اینطور تشخیص داده که  
حمله از سوی عناصر نا آگاه، به  
جانب نیروهای ضمیمه  
امپریالیست و ترقی خواه  
"بویزه حزب توده ایران!"  
بوده است.

انظر ما این موضع گیری  
بیانگرا و ج فضاحت و سقوط  
"کمیته مرکزی" است.  
آنها مینویسند "... در  
روزهای اخیر موج جدیدی  
از حمله به نیروهای سیاسی و  
ذفات سازمانهای ضمیمه  
امپریالیست و ترقی خواه آغاز  
شده است. این حملات  
بخصوص حمله به دفتر  
حزب توده ایران ...  
حال باید پرسید که این  
سازمانهای ضد امپریالیست و  
ترقی خواه کدامند؟ با توجه به  
اینکه جما قدران به رهبری  
"هادی غفاری" به دفاتر  
حزب توده، "جبهه ملی"

نوبری: سرمایه "خوب" آری!  
سرمایه "بد" نه!  
اعلام یشتیبانی  
بخشی از دانشجویان پیشگام